اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر در ایران: جرم‌زدایی یا جرم‌انگاری

دکتر منصور رحمدل*

اعتیاد به مواد مخدر امروزه یکی از معضلات اساسی زندگی بشری به‌شمار می‌رود. نزدیک به یک قرن است که جامعهٔ بشری در سطحی گسترده مصمم به چاره‌اندیشی اساسی در مورد این معضل شده است. می‌توان گفت که در طی این مدت، در غالب کشورها، مصرف، سوءمصرف و اعتیاد به مواد مخدر جرم شناخته شده و برای مرتکبان این جرایم مجازاتهایی تعیین و اعمال شده است. ولی، به‌رغم اعمال مجازاتهای سنگین، هنوز هم این مشکل، از جمله در کشور ما ایران، رو به گسترش است.

تصور غالب، حداقل در ایران و مستفاد از قوانین تصویب شده در مورد اعتیاد و مصرف و سوءمصرف مواد مخدر، آن بوده است که باید با معضل مصرف مواد مخدر و بخصوص اعتیاد به شکلی قهرآمیز برخورد کرد. به‌عبارت دیگر، دیدگاه غالب در برخورد با مصرف و اعتیاد به مواد مخدر دیدگاهی سرکوبگرانه بوده است. ولی آنچه مسلم است این است که علم پزشکی فرد معتاد را بیمار می‌داند. بدیهی است که باید با بیمار مطابق اصول درمان بیماری برخورد کرد و نه سرکوبگرانه.

بررسی جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر یا اعتیاد به مواد مزبور از این جهت واجد اهمیت است که، براساس آمار رسمی، در ایران تعداد ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر معتاد و تعداد ۸۰۰/۰۰۰ نفر مصرف‌کنندهٔ تفننی مواد مخدر وجود دارد. بنابراین، جرم‌زدایی با سرنوشت عدهٔ زیادی معتاد ارتباط مستقیم دارد.

---

* دکتری حقوق

برای توجیه اتخاذ یکی از نظریه‌های جرم‌شناختی و حقوقی در مورد جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی، لازم است ابتدا مبانی نظری نظریه‌های مزبور بررسی شود، زیرا سؤال اساسی در این مقاله این است که آیا باید از سوءمصرف و اعتیاد به مواد مخدر جرم‌زدایی شود یا می‌بایستی همچنان جرم تلقی شوند؟

در مورد نحوهٔ برخورد با پدیدهٔ اعتیاد در جامعه، سه نظریهٔ عمدهٔ جرم‌شناختی و حقوقی وجود دارد. این سه نظریه عبارت‌اند از: جرم‌انگاری (Criminalization)، جرم‌زدایی (Decriminalization) و قانونمندسازی (Legalization).

چون علت طرح بحث نظریه‌های جرم‌شناختی در مورد اعتیاد به مواد مخدر ناکامی جرم‌انگاری اعتیاد است، لازم است ابتدا توضیحاتی در مورد تاریخچهٔ جرم‌انگاری و توجیهات و مبانی آن داده شود و سپس به مباحث جرم‌زدایی و قانونمندسازی بپردازیم:

۱) نظریهٔ جرم‌انگاری، مبانی و فلسفهٔ آن

۱ـ۱) نظریهٔ جرم‌انگاری

منظور از جرم‌انگاری، جرم تلقی کردن اعتیاد به مواد مخدر است. تا پیش از قانونگذاری در این مورد، مصرف مواد مخدر شاید نقض قواعد اخلاقی یا یک مشکل اجتماعی به‌شمار می‌آمد، و در حقوق کیفری (http://www/police-foundation.org.uk/drugs) مورد توجه نبود (Wiarda, 1989: 29-40). مصرف مواد مخدر در ابتدا جنبهٔ دارویی و پزشکی داشته و بشر به آن همچون یک مشکل اجتماعی عمده نگاه نمی‌کرده است. سپس در دوره‌های بعد شروع به برقراری محدودیتها یا ممنوعیتهایی در مورد استفاده از مواد مخدر کرد. این ممنوعیتها را به ترتیب در دو بخش جرم‌انگاری در حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی بررسی می‌کنیم.

۱ـ۱ـ۱) جرم‌انگاری در حقوق بین‌المللی

جامعهٔ جهانی، از اوایل قرن بیستم میلادی، به علت گسترش مشکلات ناشی از مصرف

مواد مخدر مخصوصاً افزایش صادرات تریاک از شرق به غرب و درک تدریجی مضرات مشتقات تریاک به‌ویژه هروئین، شروع به مداخله در این امر در سطح بین‌المللی کرد.

اولین مورد دخالت رسمی جامعهٔ جهانی تشکیل کنفرانس شانگهای در سال ۱۹۰۹ با شرکت نمایندگان ۱۳ کشور در بندر شانگهای چین بنا به اصرار و دعوت دولت امریکا بود. در این کنفرانس، کمیسیون بین‌المللی تریاک بنیان نهاده شد، مصرف تریاک و مشتقات آن جز برای اهداف پزشکی ممنوع اعلام شد و بر لزوم مداخلهٔ داخلی و بین‌المللی برای کنترل آن تأکید شد (Belenko, 2000: 41).

سه سال بعد در ۱۹۱۲ کنوانسیون بین‌المللی تریاک در لاهه به تصویب رسید. در مقدمهٔ این کنوانسیون، توقف تدریجی استعمال تریاک، مرفین، کوکائین و مواد مخدر تهیه‌شده از آنها هدف اصلی تصویب آن ذکر شده و از دولتها خواسته شده است که در کنترل بین‌المللی تجارت مواد مخدر مساعدت کنند.

دوازده ماه طول کشید تا این کنوانسیون از جانب دولتها تأیید و وارد قوانین داخلی آنها شود (Teff, 1975: 13). در طول جنگ جهانی اول، همهٔ اقدامات مربوط به این کنوانسیون تا سال ۱۹۱۹ که کنفرانس صلح پاریس به امضا رسید معلق ماند. در معاهده‌های صلح ۱۹۲۰ـ۱۹۱۹، دولتها توافق کردند که امضای این معاهده‌ها متضمن تأیید کنوانسیون ۱۹۱۲ لاهه در مورد مواد مخدر و پروتکل پذیرفته‌شده در سومین کنفرانس تریاک در سال ۱۹۱۴ نیز باشد.

مطابق مادهٔ (c) ۲۳ میثاق جامعهٔ ملل، وظیفهٔ نظارت بر اجرای موافقت‌نامه‌های مربوط به قاچاق تریاک و دیگر مواد مخدر خطرناک به جامعهٔ ملل سپرده شد.

متعاقب آن، جامعهٔ ملل، به توصیهٔ کمیتهٔ مشورتی، از دولتها خواست که کلیهٔ نیازهای مواد مخدر خود را از جهت استعمال داخلی و نیازهای علمی و پزشکی اعلام کنند. برای این منظور کنفرانسی در سال ۱۹۲۴ و کنفرانسی دیگر در سال ۱۹۲۵ برگزار شد. اکثریت شرکت‌کنندگان در کنفرانس ۱۹۲۴ بر این عقیده بودند که تا زمانی که هیچ نظارتی بر عرضهٔ غیرقانونی مقادیر زیاد تریاک وجود ندارد، نمی‌توان از توقف کامل تولید مواد مخدر صبحت کرد. با این حال، در پروتکلی که با موافقت اعضا تهیه شد، مقرر شد که اقدامات لازم برای

توقف کامل تولید مواد مخدر ظرف ۱۵ سال به‌عمل آید و تصمیم‌گیری در مورد اینکه اقدامات مزبور چه زمانی به‌طور مؤثر به‌اجرا درآید به عهدهٔ کمیسیون جامعهٔ ملل گذاشته شد.

در کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو به این پیشنهادها و برنامه‌ها توجه شد و در سال ۱۹۳۱ کنوانسیون بین‌المللی دیگری برای محدود کردن تولید و تنظیم توزیع مواد مخدر امضا شد. در سال ۱۹۳۶ نیز کنوانسیون توقف قاچاق غیرقانونی مواد مخدر به امضا رسید و از سال ۱۹۳۹ به‌اجرا درآمد. این آخرین کنوانسیونی بود که با نظارت جامعهٔ ملل تصویب شد و به‌اجرا درآمد و در آن مجازاتهای سنگینی برای قاچاقچیان مواد مخدر پیشنهاد شد.

پروتکل ۱۹۴۶ شامل اصلاحاتی در کنوانسیون ۱۹۳۱ بود و در آن، اختیارات جامعهٔ ملل در مورد مواد مخدر به سازمان ملل متحد واگذار شد. سازمان ملل نیز در اولین جلسهٔ خود کمیسیون مواد مخدر را تشکیل داد. این کمیسیون در سال ۱۹۵۵ از نیویورک به ژنو منتقل شد.

پیشرفت علم داروشناسی و شیمی منجر به پیدایش انواع جدیدی از مواد مخدر، بخصوص مواد مخدر مصنوعی، شد که در کنوانسیون ۱۹۳۱ و پروتکل اصلاحی ۱۹۴۶ وارد نشده بودند. از این‌رو، کمیسیون مواد مخدر سازمان ملل، از اولین جلسهٔ خود در سال ۱۹۴۸، مطالعاتی را برای تحت کنترل درآوردن مواد مخدر جدید آغاز کرد که نتیجهٔ آن تصویب کنوانسیون ۱۹۴۸ پاریس بود که از سال ۱۹۴۹ به‌اجرا درآمد. این کنوانسیون به سازمان بهداشت جهانی اجازه داد که کلیهٔ مواد مخدر جدید را زیر نظارت کامل قرار دهد.

در سال ۱۹۵۳، پروتکل تریاک برای محدود کردن و تنظیم کشت خشخاش، و تولید و مصرف و تجارت داخلی و بین‌المللی تریاک به تصویب رسید. در سال ۱۹۶۱ نیز کنوانسیون واحدی با هدف گردآوری مفاد تمام کنوانسیونهای قبلی تحت یک عنوان واحد به تصویب رسید.

کنوانسیون مزبور در سال ۱۹۷۲، به‌منظور تحکیم همکاریهای بین‌المللی و جلوگیری از فرار مجرمان مواد مخدر از مجازات و ارائهٔ اصول راهنما در مورد اجتناب از سوءمصرف مواد مخدر و درمان، اصلاح شد.

در سال ۱۹۷۱ نیز کنوانسیون مواد روانگردان به تصویب رسید. چون در کنوانسیونهای قبلی فقط مواد مخدر روانگردان گنجانده شده بود، در این کنوانسیون، نظارت بر مواد روانگردان از طبقهٔ باربیتوراتها (Barbiturates)* و مسکنها نیز اضافه شد. سرانجام در سال ۱۹۸۸، کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روانگردان به تصویب رسید. ابتدا سازمان ملل متحد در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۴ از کمیسیون مواد مخدر خود خواست تا همهٔ ابعاد معضل مواد مخدر، مخصوصا مواردی را که در کنوانسیونهای قبلی تکلیف آنها تعیین نشده بود، بررسی کند. این کمیسیون، پس از اتمام بررسیهای خود، از ۲۵ نوامبر تا ۲۹ دسامبر ۱۹۸۸ با حضور نمایندگان ۱۰۶ کشور جهان و جنبشهای آزادیبخش ملی، اتحادیهٔ افریقا، مؤسسات تخصصی و سازمانهای بین‌دولتی و غیردولتی، در وین تشکیل جلسه داد و کنوانسیون مذکور را به تصویب رساند (Cuckwurah, 1990: 86-109).

این کنوانسیون قاچاق مواد مخدر را یک فعالیت مجرمانهٔ بین‌المللی تلقی کرده و از دولتها خواسته است با همهٔ اشکال قاچاق مواد مخدر مبارزه و استعمال مواد مخدر را جز در موارد پزشکی ممنوع کنند. در حال حاضر نیز تقریباً در همهٔ کشورهای دنیا، جز برخی کشورها مثل هلند و اسپانیا و ایتالیا که در آنها مصرف برخی از مواد مخدر سبک مانند ماری‌جوانا و کانابیس آزاد است، مواد مخدر زیر نظارت کامل دولتهاست و استعمال و معاملات مربوط به آنها، از هر نوع که باشد، ممنوع است و جرم تلقی می‌شود (The United Nations and the Fight against Drug Abuse 1972).

---

* باربیتورات مادهٔ مخدری است که به‌عنوان افسرده‌کننده عمل می‌کند. باربیتوراتها رشتهٔ وسیعی از افسردگیها را در دستگاه عصبی مرکزی ایجاد می‌کنند و به‌عنوان مسکن خواب‌آور و ضدتشنج استفاده می‌شوند. سوءمصرف آنها در نیمهٔ اول قرن بیستم رواج زیادی داشت. این داروها در حالت مصرف معمولی ایجاد نوعی مستی می‌کنند که شبیه مستی ناشی از مصرف الکل است. آثار و نشانه‌های آن عبارت‌اند از: اختلال در صحبت کردن، از دست دادن قدرت ایجاد هماهنگی در امور و معیوب شدن قدرت داوری انسان. بسته به میزان و مدت مصرف، ممکن است در بدن وابستگی جسمی و روانی نسبت به باربیتوراتها ایجاد شود (http://www.wikipedia.org/wiki.Barbiturate.15/4/2003).

۱ـ۱ـ۲) جرم‌انگاری در حقوق داخلی

در زمینهٔ جرم‌انگاری سوءمصرف و اعتیاد به مواد مخدر، در حقوق داخلی ایران نیز بعد از مداخلهٔ جامعهٔ بین‌المللی مقرراتی به تصویب رسیده است.

اولین متن قانونی در مورد جرم‌انگاری مصرف افیون، شیرهٔ تریاک، مرفین یا چرس، مادهٔ ۲۷۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ هجری شمسی است که فقط استعمال علنی مواد مزبور را جرم می‌شناخت و برای آن مجازات حبس تأدیبی از هشت روز تا سه ماه یا جزای نقدی ۱۰ تا ۵۰ تومان را پیش‌بینی کرده بود. مفهوم مخالف مادهٔ مذکور آن بود که استعمال غیرعلنی مواد مزبور جرم تلقی نمی‌شد.

این ماده در تاریخ ۱۳۲۸/۴/۷ اصلاح و استعمال علنی تریاک، شیرهٔ تریاک، مرفین، هروئین، کوکائین، بنگ و چرس جرم شناخته شد و مجازات استعمال مواد مزبور به حبس از سه تا شش ماه افزایش یافت.

تا اینکه قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک در تاریخ ۱۳۳۴/۱۲/۲۱ به تصویب رسید. طبق مادهٔ ۳ این قانون، استعمال مواد افیونی به‌طور کلی (علنی و غیرعلنی) از شش ماه پس از تصویب آن ممنوع شناخته شد و برای استعمال‌کنندگانِ بدون مجوز طبی مواد افیونی، طبق مادهٔ ۹ آیین‌نامهٔ اجرایی مجازات متخلفین از قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب آبان ۱۳۳۴، برای بار اول مجازات حبس تأدیبی از یک ماه تا دو ماه و در صورت تکرار از سه ماه تا شش ماه و در دفعات بعد از یک سال تا سه سال تعیین شد.

در مادهٔ ۹ لایحهٔ قانونی مربوط به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸/۳/۳۱ نیز استعمال هر نوع مادهٔ مخدر ممنوع شناخته شد و مجازات شش ماه تا سه سال حبس برای مصرف‌کنندگان پیش‌بینی و ذکر شد در صورتی که مادهٔ مخدره مرفین یا هروئین باشد، مجرم به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

تبصرهٔ یک مادهٔ مزبور مقرر داشت: «در صورت محکومیت متهم معتاد وزارت بهداری مکلف است متهم معتاد را بستری و ترک اعتیاد نماید. دورهٔ معالجهٔ این قبیل اشخاص جزء مدت محکومیت آنها محسوب خواهد شد.»

مادهٔ ۳ قانون اجازهٔ کشت محدود خشخاش و صدور تریاک مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۱۳ نیز استعمال کلیهٔ مواد افیونی را جز با مجوز طبی ممنوع کرد و مرتکبین را مشمول حداکثر مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط دانست. مادهٔ ۲ آیین‌نامهٔ اجرایی مادهٔ مزبور، مصوب ۱۶ و ۲۰ شهریور ۱۳۴۸، به پزشکان اجازه داد که برای بیماران خود تریاک و مشتقات آن را برای مصرف سه روز ضمن یک نسخه تجویز کنند و این قبیل نسخه‌ها را یک‌بار قابل تکرار دانست.

در مادهٔ ۸ لایحهٔ قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به‌منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین مصوب ۱۳۵۹/۳/۱۹ نیز برای استعمالِ بدون مجوز طبی مواد مخدر مذکور در این قانون، شش ماه تا سه سال حبس جنحه‌ای و در صورت استعمال هروئین و مرفین و امثال آن، تا سه سال حبس جنحه‌ای تعیین شد. طبق تبصرهٔ مادهٔ مزبور، مجازات این اشخاص را، با توجه به اینکه در مدت حبس برای رفع کامل اعتیاد تحت مداوا قرار خواهند گرفت، نمی‌توان از حداقل مجازات مندرج در آن تقلیل داد.

مواد ۱۵، ۱۶ و ۱۷ مصوبهٔ مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ اعتیاد را جرم انگاشت، ولی به معتادان شش ماه مهلت داد تا نسبت به درمان خود اقدام کنند. در غیر این صورت، برحسب نوع مادهٔ مخدر مصرفی، تریاک و بنگ و چرس و مانند آن یا هروئین و مرفین و مانند آن، برای آنان مجازات حبس و جزای نقدی پیش‌بینی کرد. مادهٔ ۱۵ مصوبهٔ اصلاح مصوبهٔ مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ آخرین متنی است که اعتیاد را جرم تلقی کرده، ولی معتادان را در صورت اقدام به درمان از تعقیب کیفری معاف شناخته است. مادهٔ ۱۶ مجازات شلاق و جزای نقدی برای معتادان ممتنع از درمان تعیین کرده و مادهٔ ۱۹ نیز برای مصرف‌کنندگان مواد مخدر مجازات شلاق و جزای نقدی تعیین کرده است.

با روشن شدن وضعیت جرم‌انگاری در حقوق داخلی و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، در گفتار بعدی به مبانی و فلسفهٔ جرم‌انگاری می‌پردازیم.

۱ـ۲) مبانی و فلسفهٔ جرم‌انگاری

برای جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر، مبانی مختلفی را می‌توان برشمرد. این مبانی را

می‌توان به مبانی اخلاقی و مذهبی و ضرر تقسیم کرد. اخلاقیات جامعه می‌تواند پایه‌ای برای ممنوعیت مصرف مواد مخدر باشد. ممکن است در نتیجهٔ مصرف مواد مخدر، فرد مصرف‌کننده دست به کارهایی بزند که با معیارهای اخلاقی جامعه سازگار نباشد، لذا احساسات اخلاقی جامعه با دیدن مصرف مواد مخدر جریحه‌دار می‌شود. برای پی بردن به این نکته که آیا مبانی اخلاقی جامعه‌ای مصرف مواد مخدر را برمی‌تابد یا نه، باید به باورهای اجتماعی و فرهنگ آن جامعه توجه کرد.

برای مثال، در جامعهٔ ایران، با اینکه برخی به نقش فرهنگ عمومی در گرایش افراد به مصرف مواد مخدر و شیوهٔ تفکر و سنتهای رایج و غلطی که تا اعماق باور انسانها ریشه دوانیده‌اند اشاره می‌کنند (قنبری، ۱۳۷۹: ۱۹۵ـ۱۸۳)، برخی دیگر معتقدند که «اعتیاد هیچ‌گاه در بین ایرانیان مقبولیت عام نداشته است» (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۷۱ـ۱۵۶). می‌توان گفت آن‌چنان که از توجه به فرهنگ عمومی، مخصوصا در برخی از شهرهای ایران برمی‌آید، مصرف برخی از مواد مخدر مثل تریاک ریشه در فرهنگ مردم دارد. لذا، شاید یکی از علل شکست مبارزهٔ قانونی با استعمال مادهٔ مزبور، انطباق نداشتن قانون با فرهنگ حاکم بر جامعه باشد. یعنی جامعه استعمال این ماده را آن‌چنان قبیح نمی‌داند که بخواهد از طریق کیفری به مقابله با آن بپردازد. ولی به‌نظر می‌رسد که در مورد مواد مخدر دیگر بتوان قبح اجتماعی قائل شد. بنابراین، یکی از مبانی جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر را می‌توان قبح اجتماعی عمل تلقی کرد.*

همچنین گفته می‌شود که فرد با مصرف مواد مخدر به خود یا دیگران صدمه می‌زند. از این جنبه، دلیل عمدهٔ جرم دانستن مصرف مواد مخدر جلوگیری از ضرر زدن شخص به خود و دیگران است و وظیفهٔ حقوق کیفری است که افراد را از ضرر زدن به خود و دیگران منع کند. صدمه زدن به دیگران شرط ضروری توجیه دخالت حقوق کیفری است.

* تذکر این نکته لازم است که در این مورد تحقیقات میدانی صورت نگرفته و این اظهارنظر صرفاً براساس استنباط شخصی نگارنده است.

برای مثال، قانونگذار برای محافظت از افراد در قبال صدمات ناشی از حوادث رانندگی، استفاده از کلاه و کمربند ایمنی را اجباری اعلام می‌کند (http://www.drugwatch.org).

برای توجیه جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر به اخلاق‌گرایی قانونی نیز اشاره می‌کنند. «برطبق اخلاق‌گرایی قانونی، غلط بودن رفتار، فی‌نفسه و صرفنظر از اینکه برای دیگران مضر باشد یا نه، دلیل کافی برای تحمیل مجازات کیفری است. واقعیت آن است که استعمال مواد مخدر کاری غلط است؛ توجیه فی‌نفسه غلط و غیراخلاقی بودن استعمال مواد مخدر، صرفنظر از مضر بودن یا نبودن آن برای دیگران، نیز آن است که استعمال مواد مخدر بر هوشیاری انسان اثر می‌گذارد. وظیفهٔ حقوق کیفری است که از شخصیت افراد محافظت کند» (Bennet, 1989: 9). به‌همین ترتیب اعتراض مردم نسبت به استعمال تفریحی و غیرقانونی مواد مخدر متکی و مبتنی بر همین اخلاق‌گرایی است. برخی در مورد غیراخلاقی بودن مصرف مواد مخدر آن‌قدر افراط می‌کنند که می‌گویند هیچ‌گاه نمی‌توان از این احساس که مصرف مواد مخدر، فی‌نفسه و صرفنظر از اینکه صدمه‌ای به دیگران می‌زند یا نه، امری غلط است فرار کرد (Kaplan, 1970: xi).

ویلیام بنت، که به او لقب تزار مواد مخدر امریکا (US Drug Czar) را داده‌اند، بحران مواد مخدر را بحران اقتدار می‌نامد و معتقد است که باید با همهٔ افرادی که اقدام به مصرف، فروش و قاچاق مواد مخدر می‌کنند و از این طریق به جامعه ضرر می‌زنند مقابله کرد، و این افراد باید نتیجهٔ اعمال خود را به‌صورت توقیف دارایی، مجازات سنگین زندان و اعدام تحمل کنند (Bennet, 1989:2-7).

لذا، از این دیدگاه، مبنای جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر جلوگیری از وارد آمدن ضرر به فرد و جامعه است. اصولاً صدمه‌ای که شخص به خودش وارد می‌کند در قلمرو حقوق کیفری قرار نمی‌گیرد. ولی ممکن است صدمهٔ وارد شده بر فرد دارای نتایج آشکاری باشد که مداخلهٔ حقوق کیفری را ایجاب کند. برای مثال، فردی که خود را مجروح می‌کند باید برای درمان از تسهیلات پزشکی استفاده کند، تسهیلاتی که می‌توانست در جایی دیگر استفاده شود. در مورد مصرف مواد مخدر نیز فرد نمی‌تواند ادعا کند که مصرف مواد مخدر

او فقط به خود او ارتباط پیدا می‌کند و به جامعه لطمه نمی‌زند. چون وی برای حفظ سلامت خود، که با مصرف مواد مخدر به خطر می‌افتد، از خدمات بهداشتی استفاده می‌کند، خدماتی که متعلق به جامعه است و می‌تواند در جای دیگری مورد استفادهٔ عموم قرار گیرد (Meire & Geis, 1997: 9).

یکی دیگر از مبانی جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر می‌تواند مذهب حاکم بر جامعه باشد. در مذهب شیعه، که مذهب اکثریت افراد جامعهٔ ایران است، علی‌الظاهر از جهت حرمت استعمال مواد مخدر بین فقها اتفاق‌نظر وجود ندارد و مثل سایر موارد که ممنوعیت عمل مورد اتفاق همهٔ فقها یا اکثر آنان باشد نیست. برخی از آنان نیز به قاعدهٔ کلی لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام استناد می‌کنند و هر آنچه را برای بدن و عقل انسان مضر باشد حرام می‌دانند.

با این حال، از پیامبر اسلام نقل شده است که: «هرکس استعمال بنگ را کوچک شمرد کافر است» و «هرکس بنگ و مشتقات آن را بخورد و استعمال کند همچون کسی است که هفتاد بار کعبهٔ مقدسه را منهدم نموده باشد» و «زمانی بر امتم خواهد آمد که موادی را استعمال و مصرف می‌کنند و می‌خورند و می‌نوشند که نامش بنگ است. من از چنان افراد امت بیزارم و برکنارم و آنها نیز از من بری و دور و برکنارند» و «بپرهیزید از حشیش که حشیش، خمر و نوعی شراب مست‌کنندهٔ اقوام عجم است و حیا و شرم را از دیدگان می‌برد» (محمدزاده و نقی‌زاده، ۱۱ـ۵).

برخی از فقها نیز بر حرمت استعمال مواد مخدر فتوا صادر کرده‌اند. برای مثال، «ابوعبدالله محمد بن مکی معروف به شهید اول، متوفی به سال ۷۸۶ هجری قمری، می‌گوید: آنچه بر استعمال آن عقل انسان از بین می‌رود بر چند قسم است... اگر با از بین رفتن عقل در حواس نشاط و سرور پیدا نشود، این ماده فسادآور است، مانند بنگ و حشیش. شیخ مرتضی انصاری نیز می‌گوید: استفاده از عصارهٔ بنگ قطعاً و بدون تردید حرام است. سید ابوالحسن اصفهانی نیز حشیش را جزء مواد سکرآور دانسته و آن را حرام می‌داند. وی در مورد تریاک می‌گوید: تریاک به ترتیبی که امروز معمول شده و در ایران شیوع پیدا کرده حرام است، و اضافه می‌کند: چیزی که مصرف زیاد و اعتیاد آن مضر باشد،

مصرف مکرر آن مانند تریاک حرام است که می‌بایست از آن پرهیز شود» (محمدزاده و نقی‌زاده، ۱۱ـ۵).

لذا به‌نظر می‌رسد که مبنای جرم‌انگاری مواد مخدر در ایران، در کنار قبح اجتماعی در مورد برخی از مواد مخدر و مذهب (هرچند در مورد حرمت استعمال مواد مخدر اتفاق‌نظر وجود ندارد)، جلوگیری از ایراد ضرر به خود مصرف‌کننده و دیگران باشد.

۲) نظریهٔ جرم‌زدایی

دومین نظریه در مورد مواد مخدر نظریهٔ جرم‌زدایی است. برای روشن شدن بحث مربوط به نظریهٔ جرم‌زدایی، لازم است ابتدا مفهوم آن را روشن کنیم.

۲ـ۱) مفهوم جرم‌زدایی

اصطلاح جرم‌زدایی در معانی مختلفی به‌کار برده می‌شود (آقایی، ۱۳۸۱: ۱۸۲ـ۱۶۱)*. برخی منظور از آن را از میان برداشتن کلیهٔ ضمانت اجراهای کیفری و برخی تقلیل تعداد یا شدت ضمانت اجراهای کیفری می‌دانند (http://www.dscc.org).

---

* برای جرم‌زدایی انواعی را برمی‌شمارند: «الف) جرم‌زدایی رسمی، ب) جرم‌زدایی عملی. هدف جرم‌زدایی رسمی، در مواردی، شناسایی یعنی به‌رسمیت شناختن کامل قانونی و اجتماعی رفتار جرم‌زدایی شده است. برای مثال، هدف از جرم‌زدایی از اعمال همجنس‌گرایانه میان افراد بالغی که با رضایت صورت می‌گیرد، شناسایی و پذیرش حق قانونی انتخابها در ارائهٔ یک شیوهٔ زندگی است، یعنی داشتن روابط همجنس‌گرایانه که قبلاً از نظر قانونی ممنوع شده بود. در موارد دیگر، جرم‌زدایی به‌خاطر شناسایی و به‌رسمیت شناختن کامل قانونی و اجتماعی رفتار جرم‌زدایی‌شده نیست، بلکه به‌خاطر این است که افکار عمومی درخصوص نقش سازمانهای دولتی در قلمرو مربوطه تغییر کرده است (یعنی نسبت به عمل یا رفتار مجرمانهٔ جرم‌زدایی‌شده). به‌عبارت دیگر، از نظر افکار عمومی، دولت صالح برای مداخله در حوزهٔ مربوطه نیست، مثل جرم‌زدایی از جرایم جنسی» (آقایی، ۱۳۸۱).

به‌نظر می‌رسد که دو مفهوم اول و سوم برای تبیین و توضیح جرم‌زدایی مناسب باشند، چون همان‌گونه که از واژه‌های تشکیل‌دهندهٔ این اصطلاح نیز برمی‌آید، در این حالت قانونگذار می‌خواهد از عملی که قبلاً عنوان مجرمانه داشته است، سلب عنوان مجرمانه کند و بعد از سلب عنوان مجرمانه، قانونگذار می‌تواند برای آن ضمانت اجرای مدنی یا اداری در نظر بگیرد. لذا مفاهیم اول و سوم از این جهت تفاوت ماهوی با هم ندارند. اما معنی دوم ناظر بر کیفرزدایی است. چون کیفرزدایی، طبق تعریف، عبارت است از «عملیات سیاست جنایی که مشتمل است بر تخفیف کیفر تا حذف آن یا پیشنهاد تناوب بین کیفر و یک اقدام غیرکیفری دربارهٔ عمل مجرمانه» (گسن، ۱۳۷۰: ۱۹). با این توضیح که اگر کیفرزدایی به‌صورت از میان برداشتن کل ضمانت اجراهای کیفری باشد، نتیجتا با جرم‌زدایی یکی خواهد بود چون جرم، طبق تعریف، عملی است که قانونگذار برای آن مجازات تعیین کرده باشد و با از بین رفتن کیفر، جرم نیز مفهوم خود را از دست می‌دهد.*

ولی اگر کیفرزدایی به‌صورت تقلیل کیفر باشد، با جرم‌زدایی متفاوت است و هیچ ارتباطی بین آن دو وجود ندارد. لذا می‌توان گفت کیفرزدایی الزاماً متضمن جرم‌زدایی نیست، بلکه می‌تواند باشد (اگر کل کیفر را از میان بردارد) یا نباشد (اگر فقط کیفر را تقلیل دهد).

در حوزهٔ مواد مخدر، جرم‌زدایی به از میان برداشتن ممنوعیت مربوط به داشتن مقداری مادهٔ مخدر برای مصرف شخصی نیز تعبیر شده است (Reuter, 1995: 39-49).

در زمینهٔ جرم‌زدایی در قلمرو مواد مخدر، برخی پیشنهاد جرم‌زدایی از ماری‌جوانا (Bonnie, 1981: 34-52) را داده‌اند؛ برای مثال، در اکتبر ۲۰۰۲، وزارت کشور انگلستان اعلام کرده است که دولت دستگیری افراد را به‌دلیل داشتن ماری‌جوانا متوقف خواهد کرد. همچنین حزب کارگر اعلام کرده که آماده است توزیع قانونی هروئین را به معتادان نیز گسترش

* البته باید توجه داشت که این مطلب در صورتی صادق است که این اقدام از طرف قانونگذار صورت گیرد، نه قاضی دادگاه. چون در حالت اخیر، عنوان مجرمانه به قوت خود باقی می‌ماند.

دهد، ولی هنوز از عملی شدن آن خبری نیست (http://www.inthesetimes.com). برخی پیشنهاد جرم‌زادیی از کوکائین (Ashley, 1975: 54-67) و برخی دیگر پیشنهاد جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر قوی همانند مرفین و هروئین را داده‌اند و معتقدند که مشکل مصرف مواد مخدر را باید یک بحران بهداشت عمومی تلقی کرد (http://www.nycitizens.org) و به‌طور کلی صحبت از جرم‌زدایی از مصرف همهٔ انواع مواد مخدر کرده‌اند (Tullis, 1991:241).

۲ـ۲) مبانی و فلسفهٔ جرم‌زدایی

بحث مربوط به جرم‌زدایی از قاچاق مواد مخدر از اینجا مطرح شده است که جنگ با مواد مخدر بی‌فایده است و همیشه نیز بی‌فایده خواهد بود.

برخی از نظریه‌پردازان این نظریه به ملاحظات اقتصادی اشاره می‌کنند. استدلال آنان این است که سرمایه‌های عظیمی که صرف مبارزه با قاچاق مواد مخدر شده، درواقع، از بین رفته است. چون به‌رغم اینکه تعداد زیادی قاچاقچی مواد دستگیر می‌شوند و مقادیر زیادی مواد مخدر توقیف می‌شود، مواد مخدر به‌آسانی در دسترس مصرف‌کنندگان قرار دارد و قیمت خیابانی آن نیز بدون تغییر باقی‌مانده است. لذا می‌توان گفت که مبارزه درواقع نتیجه‌ای نداشته است (Nadelman, 1989: 940).

برخی نیز بر این عقیده‌اند که مضرات جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر بسیار بیشتر از مضرات آزاد بودن مصرف آنهاست. این عده می‌گویند که اگر مثلاً کسی بعد از کار روزانه به خانهٔ خود برود و در آنجا یک مادهٔ مخدر تغییردهندهٔ ذهن مانند ماری‌جوانا را که مصرف آن از جانب شخص برای دیگران ضرری ندارد (هرچند ممکن است برای خود وی داشته باشد) مصرف کند، باید تلاش کرد که با آموزش دادن، و نه با مجازت کردن، وی را از این رفتار منصرف کرد.

به عدالت نیز به‌عنوان یکی از مبانی جرم‌زدایی استناد می‌شود و گفته می‌شود که حقوق کیفری نباید اعمالی را که اشخاص، نسبت به انجام دادن آنها، حقی اخلاقی دارند منع کند.

اشخاص به‌دلیل اعمال حقوق اخلاقی خود مستحق کیفر نیستند و توجیهی برای اعمال مجازات وجود ندارد، مگر اینکه عدالت آن را ایجاب کند یا وجدان اخلاقی با چنین اقدامی موافق باشد (Gray, 2001: 12).

ولی مشکلی که در این مورد باقی می‌ماند این است که حقوق کیفری باید به‌نظر کدام قسمت از اجتماع توجه کند؟ به‌نظر موافقان یا مخالفان؟ پاسخ دادن به این سؤال مشکل است، ولی اصولاً حقوق کیفری باید به‌نظر اکثریت احترام بگذارد و نمایندهٔ نظر اکثریت باشد. در اینجا نیز باید توجه داشت که حقوق کیفری تنها در صورتی موفق خواهد بود که عمل ممنوعه کاملاً غیراخلاقی باشد.

همچنین این ادعا که استعمال مواد مخدر، فی‌نفسه و صرفنظر از اینکه برای دیگران مضر باشد یا نه، عملی غلط است، با این ایراد مواجه است که اصل این ادعا محل تردید است. چون هیچ‌یک از طرفداران جرم‌انگاری دلیل قانع‌کننده‌ای برای ادعای خود ارائه نکرده‌اند. همچنین این سؤال مطرح می‌شود که چرا اساساً انسان باید بر این باور باشد که مصرف مواد مخدر، فی‌نفسه و صرفنظر از اینکه برای دیگران زیان‌آور باشد یا نه، کاری غیراخلاقی است؟ لذا طرفداران جرم‌انگاری پاسخ قانع‌کننده‌ای برای این پرسش ندارند و نتیجه‌گیری آنها در این مورد فاقد پشتوانه است.

در توجیه جرم‌انگاری گفته می‌شود که چون مواد مخدر بر هوشیاری انسان اثر می‌گذارند، پس مصرف آنها باید ممنوع شود. ولی این استدلال در مواردی که برخی از مواد مزبور چنین اثری نداشته باشند وجاهت خود را از دست می‌دهد.

یکی از مبانی استدلال جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر لزوم حافظت حقوق کیفری از شخصیت افراد است. ولی باید توجه داشت که هرچند این نکته که حقوق کیفری نمی‌تواند شخصیت افراد جامعهٔ خود را نادیده بگیرد درست است، ولی ممنوعیتهای حقوق کیفری باید اجازهٔ حداقل رفتار قابل قبول را در حدی که افراد دچار مشکل اساسی نشوند بدهد (Alexander, 1990: 337).

۳) نظریهٔ بینابین (قانونمندسازی)

وجه تسمیهٔ نظریهٔ قانونمندسازی به نظریهٔ بینابین این است که قانونمندسازی نه به‌دنبال آزادسازی کامل مواد مخدر است و نه به‌دنبال ممنوعیت کامل آن. چنانکه در مباحث قبلی گفته شد، به‌دنبال ناکارایی و ناکامی نظام عدالت کیفری در برخورد سرکوبگرانه با معضل قاچاق مواد مخدر، برخی از نویسندگان بحث قانونمند کردن مواد مخدر را مطرح کرده‌اند. در واقع، قانونمند کردن در حکم پاسخی به مشکلات فعلی ناشی از مواد مخدر مطرح می‌شود. در ابتدا، قانونمند کردن مطلبی بی‌اهمیت تلقی می‌شد، ولی ناکارایی شیوه‌های فعلی مبارزه باعث طرح این نظریه و اهمیت یافتن آن شده است. به‌نحوی که کمیتهٔ مسائل اجتماعی، بهداشتی و خانوادگی شورای اروپا در گزارشی با عنوان «سوءمصرف مواد، قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و قانونمند کردن آن» به این مطلب پرداخت و آن را موضوعی تلقی کرد که باید با استدلال به آن پاسخ داد (Stevenson, 1994: 52).

اما این مبحث نیز از مقبولیت کامل برخوردار نشده و با اینکه منافع زیادی برای آن برشمرده‌اند و در برخی کشورها (مثل هلند)، با تفکیک مواد مخدر ضعیف (soft drugs) از قوی (hard drugs)، آن را در مورد مواد مخدر سبک قابل اعمال دانسته‌اند (با این استدلال که اگر افراد جوان حشیش را، به جای خریدن از قاچاقچی، از مغازه بخرند، چون قاچاقچیان هم مواد مخدر قوی می‌فروشند و هم مواد مخدر ضعیف، بنابراین از خطر اغوای خرید مواد مخدر قوی در امان خواهند بود) (Lyman & Potter, 1998: 398)، انتقادهای زیادی نیز به آن وارد شده است که در مبحث نظریات و استدلالات موافقان و مخالفان مطرح خواهد شد.

همچنان‌که گفته شد، قانونمندسازی مواد مخدر به‌معنای آزاد گذاشتن قاچاق مواد مخدر نیست. بلکه در قانونمندسازی، قاچاق مواد مخدر همچنان مجرمانه باقی می‌ماند و فقط قانونگذار مصرف برخی مواد مخدر را قانونمند می‌سازد. لذا، از جهت سایر اعمال ارتکابی (غیر از مصرف قانونمند برخی از مواد مخدر)، فرقی بین نظریهٔ قانونمندسازی و نظریهٔ جرم‌انگاری وجود ندارد.

حال با این مقدمهٔ کوتاه به مباحث مربوط به قانونمندسازی می‌پردازیم.

۳ـ۱) مفهوم قانونمندسازی

راهبردهای مختلفی برای قانونمندسازی ارائه شده است (Evans, 1990: 16-27)* و با

---

* راهبردهای زیر برای قانونمندسازی ارائه شده است: «۱) قانونمندسازی کامل مواد مخدر، مانند فروش شیرینی روی پیشخوان مغازه‌ها. ۲) قانونمندسازی به صورت فروش خیلی محدود و نظارت‌شده در فروشگاههای دولتی. ۳) قانونمندسازی به‌صورت فروش به همهٔ افراد جز کودکان، همان‌گونه که در حال حاضر وضعیت فروش الکل به‌همین نحو است. ۴) قانونمندسازی به‌صورت تجویز فروش با نسخهٔ پزشک تحت نظارت شدید، همان‌گونه که در حال حاضر در مورد فروش برخی از مواد بالقوه خطرناک و دارای آثار جانبی چنین است. ۵) قانونمندسازی به‌صورت تجویز فروش با نسخهٔ پزشک تحت نظارت خفیف، مثل موقعی که پزشک خانواده به‌صورت دوستانه و بنا به درخواست، قرص خواب‌آور تجویز می‌کند. ۶) قانونمندسازی تحت نظارت کلینیکهای زیر نظر دولت، شبیه به آنچه در مورد متادون عمل می‌شود.

در مورد قانونمندسازی کامل مواد مخدر، شرایط زیر پیشنهاد شده است: ۱) همهٔ مواد مخدر تفریحی، مخصوصاً هروئین، الکل، نیکوتین و ماری‌جوانا، در همهٔ بازارهای تحت نظارت در دسترس خواهند بود. ۲) همهٔ اشکال تبلیغ تابع محدودیتهای مقرر در قانون اساسی خواهد بود. ۳) برای فروشندگان و خریداران با ایجاد سیستم نگهداری سابقهٔ فروش پروانهٔ فعالیت صادر می‌شود. الف) کلیهٔ اشخاص بالای ۱۸ سال می‌توانند درخواست پروانه کنند و در مورد طریقهٔ مصرف مواد مخدر به‌نحوی که سلامت آنها به خطر نیفتد اطلاعات لازم را کسب کنند. ب) دادگاهها از این اختیار برخوردار خواهند بود که در صورت نقض مقررات، پروانهٔ خریداران را معلق کنند (برای مثال، در صورت حمله، رانندگی تحت تأثیر مواد مخدر، راهزنی و ولگردی). علاوه بر این، مجازاتهای دیگر ارتکاب این جرایم نیز به قوت خود باقی هستند. در مورد خرید و فروش بدون پروانه، جریمه و سایر مجازاتها قابل اعمال است. ج) پروانهٔ فروشندگان به خریداران فاقد پروانه یا به اشخاص زیر ۱۸ سال، متعاقب مجازات، ابطال خواهد شد. ۴) برای جلوگیری از ناخالصیها، معیارهای کنترل حداقل کیفیت به‌وسیلهٔ ادارهٔ نظارت بر غذا و دارو و بخش کشاورزی اعمال خواهد شد. بسته‌ها حاوی اطلاعاتی در مورد محتوی خواهد بود و هشدارهای لازم در مورد مصرف بیش از حد داده خواهد شد. ۵) قیمت مواد مخدر با توجه به فرایند بازار تعیین خواهد شد. ۶) بر مواد مخدر فروخته‌شده مالیات تعلق خواهد گرفت. ۷) عواید حاصل از مالیات و فروش مواد مخدر در موارد زیر مصرف خواهد شد: الف) کنترل مصرف مواد مخدر و مشکلاتی که ممکن است از آن ناشی شود. این درآمد به‌ویژه صرف تحقیق در مورد مواد مخدر خواهد شد.

ادامهٔ پاورقی در صفحهٔ بعد ←

توجه به این راهبردهاست که می‌توان مفهومی از قانونمندسازی ارائه کرد. قانونمندسازی همیشه معانی مختلفی برای افراد مختلف داشته است. در ابتدا، این مفهوم در انتقاد از سیاست امریکا در برخورد سرکوبگرانه و بی‌حاصل با مواد مخدر ارائه شد (Reuter, 1995: 39-49) و بعد نیز در انتقاد از همین نوع برخورد سرکوبگرانه، اعلام اینکه ممنوعیت راه‌حل برخورد با مواد مخدر نیست کاربرد عمومی یافت (Marshal, 1988: 67).

به‌نظر برخی، قانونمندسازی از میان برداشتن همهٔ محدودیتهای مربوط به تولید و فروش مواد مخدر و مواد روانگردان بجز به کودکان است (http://www.dscc.org). منظور از قانونمندسازی در این معنا نظارت دولت در چارچوب نظام عدالت مدنی (و نه نظام عدالت کیفری) بر تولید و فروش و استعمال مواد مخدر است، و استفاده از نظام عدالت کیفری برای کنترل رفتار افراد (همانند کنترل رفتار افراد در مورد استعمال الکل) است (Gray, 2001: 7). در معنایی دیگر، دولت بسیاری از مواد مخدری را که اکنون غیرقانونی هستند، به‌طور قانونی برای بزرگسالان قابل دسترسی می‌سازد و نظارت شدیدی را بر تولید و فروش عمدهٔ مواد مخدر اعمال می‌کند و برنامه‌های درمانی برای افراد نیازمند تدارک می‌بیند و برنامه‌های آموزش مضرات مواد مخدر به کودکان را پیشنهاد می‌کند (Nadelman, 1991: 19) و فروش یا استعمال مواد مخدر بدون نسخهٔ پزشکی ممنوع و جرم تلقی می‌شود (Szasz, 1992: 99)*.

از بین تعریفهای مذکور، تعریف اول با مفهوم جرم‌زدایی سازگاری دارد. چون در جرم‌زدایی، با از بین رفتن همهٔ محدودیتها، عمل جنبهٔ مجرمانهٔ خود را از دست می‌دهد و مباح می‌گردد. تعریف دوم نیز تعریف صحیحی است. چون در قانونمندسازی، دولت مواد مخدر را، با اعمال نظارتهایی و با رعایت شرایطی، در اختیار افراد قرار می‌دهد، و این به‌معنای آزادی خرید و فروش مواد مخدر و از بین رفتن قاچاق مواد مخدر نیست.

ب) تحقیق در مورد شیوه‌های درمان و پیشگیری از مصرف بیش از حد. ج) برنامه‌های درمانی منظم و برنامه‌های آموزشی در مورد پیشگیری از مصرف بیش از حد در مدارس و سایر مراکز، و عموماً از طریق مطبوعات» (Vallance, 1993: 80-111).

* برخی، در این معنا، قانونمندسازی را به درمان‌سازی (medicalization) تعبیر کرده‌اند.

۳ـ۲) مبانی و فلسفهٔ قانونمندسازی

به‌عنوان مبنای قانونمندسازی به منافع اجتماعی ناشی از آن اشاره و گفته می‌شود که ممنوعیت، به‌رغم صرف هزینه‌های سنگین، کارایی نداشته است و می‌توان هزینه‌های مزبور را برای تأمین منافع اجتماعی در زمینهٔ ارتقای بهداشت و آگاهیهای عمومی صرف کرد (http://www.druglibrary.org).

همچنین، طبق نظریهٔ قانونمندسازی، برای جرم‌انگاری مبنای علمی و منطقی ارائه نمی‌شود (Gossop, 2000: 173-175). «چون بسیاری از مواد مخدر آن‌قدر خطرناک نیستند که فرض می‌شود و گفتن اینکه برخی از مواد خیلی خطرناک هستند مثل آن است که بگوییم برخی از افراد خیلی خطرناک هستند» (Nadelman, 939-946) و همچنین خطر و ضرر برخی مواد مانند تنباکو و الکل از برخی مواد مخدر کمتر نیست* و مرگ و میر ناشی از مصرف آنها بیش از مرگ و میر ناشی از مصرف مواد مخدر است، لذا دلیلی ندارد که مواد مزبور آزاد ولی مواد مخدر ممنوع باشند (Inciardi & McBridge, 1991: 69).

برخی از نویسندگان بر تقدم آزادی حق انتخاب شخص در آنچه نسبت به بدن خود انجام می‌دهد به‌عنوان مبنای قانونمندسازی تأکید می‌کنند (www.cyberessays.com). به‌نظر اینان، این اصل قدرت دولت را در مداخله در زندگی شخصی افراد محدود می‌کند.** در این نظریه، با الهام از افکار جان لاک، ژان‌ژاک روسو، امانوئل کانت و اخیرا جان راولز،

---

* شاید بتوان گفت که دلیل بیشتر بودن مرگ و میر ناشی از مصرف تنباکو و الکل آن است که مواد مزبور بیشتر در دسترس مردم قرار دارند و به‌طور گسترده نیز استفاده می‌شوند؛ و دلیل پایین بودن مرگ و میر ناشی از مصرف هروئین و کوکائین آن است که این مواد کمتر در دسترس مردم قرار دارند. درواقع، مواد مخدر غیرقانونی مصرف گسترده ندارند.

** به‌نظر طرفداران قانونمندسازی، از جمله جیمز اوستروفسکی (James Ostrowski)، استیون ویسوتسکی (Steven Wisotsky) و دیوید ریچاردز (David Richards)، «حقوق و آزادیهای فردی از جمله مسائلی هستند که طرفداران ممنوعیت باید به آنها پاسخ بدهند و معین کنند که بر چه اساسی دولت مجاز به تحدید این حقوق و آزادیهاست.»

بر ارزشهای اساسی مانند استقلال و برابری به‌عنوان حقوق مبنایی که مردم باید از آنها بهره‌مند شوند و دولت مکلف به دفاع از آنهاست تأکید می‌شود. بنابراین، هر شخصی از حقوقی مساوی با دیگران، که باید از جانب آنان محترم شمرده شود، برخوردار است.

از جملهٔ افراد دیگری که با نوشتن مقالاتی از قانونمندسازی حمایت کرده‌اند می‌توان از اتان نادلمن (Etan Nadelman) و والتر بلاک (Walter Block) نام برد. بلاک از طرفداران افراطی قانونمندسازی مواد مخدر است و از آزادی افراد به‌عنوان مبنای قانونمندسازی همهٔ انواع مواد مخدر از جمله هروئین و کوکائین حمایت می‌کند و معتقد است که افراد بزرگسال باید از این آزادی برخوردار باشند که همهٔ انواع مواد مخدر را مصرف کنند یا بفروشند.

بلاک این نکته را قبول دارد که قانونمندسازی مواد مخدر به سلامت افرادی که آنها را مصرف می‌کنند لطمه وارد می‌کند؛ ولی به‌نظر وی، مضر بودن آنها برای سلامت مصرف‌کنندگان نمی‌تواند دلیلی برای ممنوعیت آنها باشد. او معتقد است که باید بین مضربودن استعمال مواد مخدر و مضر بودن رفتاری که از مصرف‌کننده سر می‌زند تفکیک قائل شد و تنها مورد اخیر را جرم تلقی کرد (Brown, 1994: 233).

به تبعیت از همین مبناست که برخی از نویسندگان ممنوعیت اولیهٔ مواد مخدر در امریکا را اشتباه بزرگی می‌دانند (Kyvig, 1979: 51) و مصرف مواد مخدر را دربردارندهٔ هیچ ضرری برای جامعه نمی‌دانند (Inciardi & Trebach, 1993: 40-81).

در کنار این نظریهٔ افراطی، نظریهٔ میانه‌رو دیگری با عنوان «نظریهٔ فایده‌گرایی» وجود دارد که از نظریه‌پردازان آن می‌توان از جمله به جان استوارت میل (John S. Mill) و بونی اشتاین‌باک (Bonnie Steinbock) اشاره کرد.

جان استوارت میل، فیلسوف و اقتصاددان قرن ۱۹، در کتاب خود با عنوان *آزادی* که در سال ۱۸۵۹ تألیف کرد، نقش مهمی در تعریف مفاهیم امریکایی و انگلیسی آزادی شخصی و محدودیتهایی که دولت می‌تواند بر این آزادی وارد سازد ایفا کرده است.

به‌نظر وی، تنها موردی که قدرت دولت می‌تواند جانشین آزادی فردی شود در جایی است که مداخلهٔ دولت به‌منظور پیشگیری از وارد آمدن ضرر به دیگران باشد.* از این‌رو، این نظریهٔ میل به اصل فایده‌گرایی معروف شد (Gossop, 2000: 167).

طبق اصل فایده‌گرایی میل، اگر منافع قانونمندسازی بر مضار سوءمصرف مواد مخدر برتری داشته باشد، این کار باید صورت بگیرد. اصل آزادی نیز دلالت بر آن دارد که دولت حق دخالت در رفتار بزرگسالان را، در صورتی که صدمه‌ای به دیگران نزند، ندارد. دولت می‌تواند در این زمینه آموزش بدهد و مردم را آگاه کند، ولی حق محدود کردن آزادی مردم را ندارد، حتی اگر اعمال مورد بحث به خود شخص زیان بزنند.

طبق عقیدهٔ میل، دولت تنها در صورتی می‌تواند در انتخابهای افراد بزرگسال به‌صورت مشروع مداخله کند که دلایل کافی مبنی بر مضر بودن این رفتارها برای دیگران وجود داشته باشد (Mill, 1983: 70). اما به‌نظر وی، این دخالت باید محدود به افرادی باشد که این ضرر را به‌صورت بالفعل برای دیگران ایجاد می‌کنند و نه افرادی که به‌صورت بالقوه توانایی ایجاد ضرر را دارند (Inciardi, 1987: 633-657).

اشتاین‌باک نیز، ضمن تأیید عقیدهٔ بلاک در مورد محدود شدن آزادی افراد بر اثر ممنوعیت مصرف مواد مخدر، می‌گوید که در شرایط عادلانه، علاوه بر آزادی، باید رفاه مردم و مخصوصاً مصرف‌کنندگان مواد مخدر و کودکان را نیز در نظر گرفت. وی می‌گوید که طبق عقیدهٔ بلاک، در جامعهٔ آزاد هیچ‌کس نباید این حق را داشته باشد که خوب و بد

---

* در حقوق ایران، به‌نظر برخی، «استعمال مواد مخدر به جامعه زیان می‌رساند. زیرا تأمین هزینهٔ درمان و ترک اعتیاد نهایتاً به‌عهدهٔ جامعه است. حق تأمین سلامت و مراقبت برای هر فرد به رسمیت شناخته شده است و در قبال تعمیم تدریجی بیمه‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی، جامعه نیز حق دارد استعمال مواد مخدر را که همگان، اعم از متخصص و غیرمتخصص، بر زیان‌آور بودن آن توافق دارند ممنوع سازد» (گلدوزیان، ۱۳۷۹: ۴۴ـ۳۸).

بودن چیزی را به دیگری دیکته کند (Ostrowski, 1990: 607-685) و شخص از این آزادی برخوردار است که به هر نحوی که بخواهد با تمامیت جسمانی خود رفتار کند.* حتی اگر این امر منجر به از بین رفتن شخص گردد (Peele, 1989: 58).

ولی به‌عقیدهٔ اشتاین‌باک، دولت باید طبق آنچه وی آن را به قیم‌مآبی (paternalism) تعبیر می‌کند، در انطباق با اصل آزادی، از ارزشهای اولیه / داراییهای معنوی دفاع کند. معیار ارزشهای اولیه (primary goods) عبارت است از آنچه برای هر فرد منطقی مطلوب است؛ و چون ارزشهای اولیه وسایل رسیدن به هدف هستند، بنابراین دفاع از آنها مخالف آزادی فردی نیست. برای مثال، سلامت و بهداشت ارزش اولیه به‌شمار می‌روند و ارزشهای عمومی دیگر نیز به همین نحو. از این‌رو، اگر دفاع از ارزشهای اولیه باعث ایجاد اندک محدودیتی برای آزادی فردی شود، ایرادی ندارد. به همین ترتیب وی بین اصل آزادی و استقلال فردی از یک طرف و ارزشهای مربوط به بهداشت و سلامت و امنیت از طرف دیگر تعادل برقرار می‌سازد. دیدگاه او در برقراری تعادل مشتمل بر آموزش مردم دربارهٔ خطرها و منافع مواد مخدر قانونی و غیرقانونی، تحت نظم در آوردن موضوعاتی از قبیل ساعات فروش الکل، درمان معتادان به‌جای مجازات کردن آنان و قانونمندسازی مواد مخدر بی‌ضرر مانند ماری‌جواناست (Luper-foy, 1994; xxx-xxxv).

نظریهٔ فایده‌گرایی ممکن است جالب به‌نظر برسد، ولی در عمل به این سؤال پاسخ نمی‌دهد که چه‌کسی تصمیم می‌گیرد که کدام نتایج خوب هستند و باید تشویق شوند؛ و وقتی پاسخ این سؤال را با ارجاع به تقدیم نظر اکثریت بر نظر اقلیت می‌دهند، با این ایراد مواجه‌اند که اقلیت دائماً در معرض خطر از دست دادن حقوق اساسی خود در مورد استقلال شخصی هستند.

---

* به‌نظر برخی، «قربانی جنگ با مواد مخدر، که هیچ‌گاه به پیروزی نخواهد رسید، آزادی فردی است». www.bakkster.com/rdrug6.htm.

یکی از جرم‌شناسان، با بررسی انتخابهای مختلف در قلمرو سیاست جنایی مربوط به مواد مخدر، به این نتیجه رسیده است که «هیچ‌کدام از این سیاستها جذابیتی ندارند و فقط باید از بین آنها گزینه‌ای را انتخاب کرد که کمتر بد باشد. بنا به استدلال وی، هروئین و کوکائین درواقع مواد مخدر خطرناکی هستند و نمی‌توان آنها را الکل مقایسه کرد» (Kaplan, 1989: 187-208).

موافقان دلایلی را برای طرح بحث جرم‌زدایی و قانونمندسازی مطرح کرده‌اند. با توجه به اینکه دیدگاههای موافقان قانونمندسازی در اساس همان است که از طرف موافقان جرم‌زدایی بیان می‌شود، لذا برای جلوگیری از تکرار مطالب، دلایل موافقان هر دو نظریهٔ مزبور یکجا بیان می‌شود. عمده دلایل موافقان به‌شرح زیر است:*

۴) دلایل موافقان و مخالفان جرم‌زدایی و قانونمندسازی

۴ـ۱) دلایل موافقان جرم‌زدایی و قانونمندسازی

موافقان در توجیه نظر خود دلایلی را به‌شرح زیر برمی‌شمارند:

۴ـ۱ـ۱) شکست سیاستهای فعلی مقابله با مواد مخدر

به‌عقیدهٔ موافقان قانونمندسازی، سیاستهای فعلی مقابله با مواد مخدر شکست خورده‌اند و دیگر نتیجه‌بخش نیستند (Green, 1998: 130-155) و این شکست ادامه خواهد یافت چون این سیاستها بر پایهٔ صحیحی استوار نیستند. دلیل این امر آن است که تا زمانی که تقاضا برای مصرف وجود داشته باشد، عرضه نیز وجود خواهد داشت. در جامعه‌ای که تقاضا وجود داشته باشد، افرادی که با مواد مخدر در ارتباط هستند انگیزه‌ای برای همکاری با پلیس نخواهند داشت. به‌نحوی که یکی از افسران مجرب مبارزه با مواد مخدر نیویورک در

* همچنین می‌توان گفت که دلایل موافقان جرم‌زدایی و قانونمندسازی همان دلایل مخالفان جرم‌انگاری است. لذا طرح بحث مربوط به دلایل مخالفان جرم‌انگاری ضرورتی ندارد.

مورد مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر گفته است: «ما مانند پشه‌ای هستیم که قاطر را نیش می‌زنیم» (http://www.parl.gc.ca/36/2/parlbus/combus/senate/com).

همچنین، حتی اگر در نظر بگیریم که عملیات موفقیت‌آمیز مقابله با قاچاق مواد مخدر با شناسایی و از بین بردن سازمانهای مجرمانه همراه باشند و در این عملیات تعداد زیادی از افراد دخیل در امر قاچاق مواد مخدر دستگیر و زندانی شوند و درآمدها و داراییهای آنان ضبط و مصادره شود، باز هم این اقدامات بر دسترسی به مواد مخدر اثری نداشته و نخواهد داشت.

موافقان حتی اقدامات بین‌المللی مربوط به مبارزه با قاچاق مواد مخدر را نیز محکوم به شکست می‌دانند. چون اولاً، ماری‌جوانا و تریاک تقریباً در هر جایی رشد می‌کنند و گیاه کوکا که از آن کوکائین استحصال می‌شود، به‌نحو فزاینده و موفقیت‌آمیزی کشت می‌شود. اگر در جایی برنامه‌های مربوط به ریشه‌کنی مواد مخدر موفقیت‌آمیز بوده است، مناطق و کشورهای دیگر به‌سرعت این شکاف را پر کرده‌اند (Nadelman, 1991: 18-24).

علاوه بر ناموفق بودن برنامه‌های ریشه‌کنی کشت به‌لحاظ جایگزینی سریع آن در کشورهای دیگر، نظارت بین‌المللی با موانع متعدد دیگری نیز مواجه است. در بسیاری از کشورها، دولتها به دلیل محدودیت منابع، ناتوان از کنترل تولید در مناطق فقیرنشین هستند. فرهنگ مردم برخی از نقاط نیز، که اقدامات مربوط به کشت و قاچاق را نه‌تنها ناپسند تلقی نمی‌کنند بلکه آن را جزء فرهنگ و زندگی روزمرهٔ خود می‌دانند، بر این ناتوانی افزوده است.

۴ـ۱ـ۲) پایین آمدن قیمت مواد مخدر

بسیاری از مواد مخدر، نه به‌دلیل هزینه‌های تولید آنها، بلکه به‌علت غیرقانونی بودنشان گران هستند. بنا به تخمینی، قیمت هروئین دویست برابر گرانتر از حالتی است که در صورت آزاد بودن فروش آن می‌توان از بازار آزاد تهیه کرد (Deninger, 1976: 565-583) و شاید کوکایین بیست برابر گرانتر باشد (Kleiman & Saiger, 1990: 527-542). در نتیجه، بسیاری از معتادان برای به‌دست آوردن مواد مخدر مورد نیاز خود مرتکب جرایم علیه اموال می‌شوند (Nadelman: 941). اما مواد مخدر قانونی ارزان خواهد بود و

مصرف‌کنندگان احتمالاً نیازی به ارتکاب جرایم دیگر برای به‌دست آوردن مواد مخدر مورد نیاز خود نخواهند داشت.

۴ـ۱ـ۳) صرفه‌جویی برای خزانه

به‌نظر موافقان، اگر از قاچاق و مصرف مواد مخدر جرم‌زدایی شود یا اعمال مزبور قانونمند شوند، برخی از منابع جاری اختصاص‌یافته به اجرای قوانین مواد مخدر برای مصارف دیگری باقی خواهد ماند؛ و بر فرض آنکه فروش به اطفال غیرقانونی باقی بماند، فقط برخی هزینه‌های اجرایی هنوز ضروری خواهد بود ولی صرفه‌جوییهای عمده‌ای در بخش پلیس، ادارات گمرک و نظامهای کیفری و حقوقی صورت می‌گیرد و سرمایهٔ مزبور صرف پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر و صدمات ناشی از آن می‌گردد در چنین صورتی، کنترل بازار در اختیار دولت قرار می‌گیرد، درحالی‌که کنترل بازار غیرقانونی در اختیار قاچاقچیان است. مزیت نظارت دولت بر بازار آن است که دولت می‌تواند بر این مواد مالیات ببندد و به تجارت آن نظم ببخشد.

۴ـ۱ـ۴) تأثیر بر جرایم مربوط به مواد مخدر

به‌نظر موافقان، جرم‌زدایی و قانونمندسازی مواد مخدر منجر به کاهش تعداد جرایم مربوط به مواد مخدر خواهد شد* (http://www.sarnia.com) چون ممنوعیت افراد را به‌سوی بزهکاران واقعی در بازار سیاه و ... سوق می‌دهد (http://www.college.library.wisc.edu) و هرچند برخی از مصرف‌کنندگان به مصرف مواد مخدر و سرقت برای تأمین منابع مالی نیازهای مصرفی خود ادامه خواهند داد، بسیاری از معتادان، دیگر نیازی به ارتکاب جرم

* برخی از نویسندگان در امریکا، این ادعاها را که «مواد مخدر غیرقانونی بدتر از الکل و تنباکو نیستند؛ قانونمندسازی میزان جرایم را پایین می‌آورد؛ قانونمندسازی از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه است؛ جرم‌انگاری مواد مخدر مثل ممنوعیت الکل است؛ ملل دیگر قانونمندسازی را با موفقیت تجربه کرده‌اند؛ قانونمندسازی منافع بهداشتی در پی خواهد داشت؛ قانونمندسازی موجب کاهش تعداد معتادان خواهد شد؛ و قانونمندسازی یک مسألهٔ مربوط به آزادیهای فردی است» افسانه‌ای بیش نمی‌دانند.

برای تأمین منابع مالی خود نخواهند داشت و در نتیجه، هزینه‌های مربوط به جرایم مواد مخدر به‌شدت کاهش خواهد یافت. همچنین مصرف‌کنندگان از انگ آزاردهندهٔ بزهکاری ناشی از مصرف، که می‌تواند آنان را لااقل از نظر ذهنی از سایر شهروندان و جامعهٔ بزه‌ناکرده جدا کند و به‌سوی جرایم و انحرافهای دیگر سوق دهد، خلاصی می‌یابند (http://www.uky.edu). افزون بر آن، توسل به چنین اقدامی منجر به از بین رفتن قاچاق مواد مخدر خواهد شد (آشوری، ۱۳۷۹: ۳۳۵) چون چنین اقدامی بازار سیاه را از بین می‌برد (Husak, 1992: 54).

۴ـ۱ـ۵) منافع پزشکی

چون بالا بودن هزینه‌های تأمین مواد مخدر برخی از مصرف‌کنندگان را به‌سوی فحشا سوق می‌دهد، قانونمند شدن و در اختیار بودن مواد مخدر ارزان‌قیمت این فشار را از بین خواهد برد، و در نتیجه، مشکلات بهداشتی کمتری وجود خواهد داشت. غیرمصرف‌کنندگان نیز از کاهش خطر سرایت هپاتیت و ایدز بهره‌مند خواهند شد (http://www.ithaca.edu).

حرفهٔ پزشکی نیز از منافع جرم‌زدایی و قانونمندسازی بهره‌مند خواهد شد. مجرای درمان و بازپروری برای مصرف‌کنندگانی که انگیزهٔ ضعیفی برای انصراف از مواد مخدر دارند یا اصولاً انگیزه‌ای برای این کار ندارند، در شرایط ممنوعیت، عملاً مسدود است؛ و در مواردی که معتادان از جهت تهیهٔ مواد مخدر به پزشکان وابسته می‌شوند، مصرف‌کنندگان سعی می‌کنند وابستگی خود را به مواد مخدر خیابانی مخفی کنند. درحالی‌که با جرم‌زدایی و قانونمندسازی مواد مخدر، رازداری و اعتماد جای خود را به رابطهٔ پزشک و بیمار می‌دهد و پزشکان می‌توانند آزادانه و بدون محدودیتهای قانونی در مورد علایق بیماران خود مشورت دهند.

همچنین، در حالت ممنوعیت، مصرف‌کنندگان از نظر کیفیت مواد مخدر مصرفی خود هیچ نوع تضمینی ندارند. در نتیجه، برخی از مصرف‌کنندگان، مخصوصاً جوانان و افراد غیرمجرب، بر اثر مصرف مواد ناخالص یا مسموم‌کننده می‌میرند یا فلج می‌شوند (http://ww.parl.gc.ca).

۴ـ۱ـ۶) کاهش فساد

به‌عقیدهٔ موافقان، ممنوعیت فساد را در پی دارد. مخصوصاً با توجه به اینکه، معاملهٔ غیرقانونی مواد مخدر، هیچ بزه‌دیده‌ای که از نقض قانون شکایت داشته باشد وجود ندارد و در این معنا، جرایم مواد مخدر فاقد بزه‌دیده هستند. اجرای قوانین سخت مواد مخدر مأموران را وادار به عملیات زیرزمینی می‌کند و آنان برای این کار ناگزیر از جلب اعتماد مجرمان هستند و در این راه حتی ممکن است مرتکب جرم شوند.

منافع سرشار حاصل از قاچاق مواد مخدر منجر به فساد مأموران اجرای قانون نیز می‌شود. تخمینهای صورت‌گرفته در ایالات متحدهٔ امریکا حکایت از آن دارد که حداقل ۳۰ درصد مأموران پلیس، در زمان خدمت، به‌نوعی در قاچاق مواد مخدر دست داشته‌اند (Carter: 79-105).

البته نمی‌توان گفت که فساد و ارتشا محدود به پلیس و مأموران مرزی است. چون برخی از شرکتهای غیرقانونی مواد مخدر منابع مالی برخی از دولتها را تأمین می‌کنند. برای مثال، کارتل مدلین یک‌بار پیشنهاد پرداخت بدهی کلمبیا را داد و گروه مجرمانهٔ بولیویایی به رهبری روبرتو سوآرز در سال ۱۹۹۲ پیشنهاد کرد که حاضر است دو میلیارد دلار از بدهی سه میلیارد دلاری دولت را در قبال مشکل ایجاد نکردن دولت برای این گروه بپردازد (Nadelman, 33).

۴ـ۱ـ۷) غیرمعقول بودن ممنوعیت

به‌نظر موافقان، چیزی را که افراد زیادی مرتکب آن می‌شوند نمی‌توان ممنوع و غیرقانونی کرد و به‌راحتی عدهٔ زیادی از مردم را، مخصوصاً در یک جامعهٔ دموکراتیک، دستگیر و توقیف و محاکمه کرد.

۴ـ۱ـ۸) از بین رفتن جرم سازمان‌یافته

به‌نظر موافقان، تولید، توزیع و فروش مواد مخدر از قلمرو حقوق کیفری خارج خواهد شد و بحث جرم سازمان‌یافته در این مورد منتفی خواهد شد، در نتیجه، سازمانهای مجرمانهٔ فراملی از نظری سرمایه‌ای آسیب زیادی می‌بینند و از رده خارج می‌شوند. این امر اتفاقی نیست چون سازمانهای مجرمانهٔ فراملی که به‌دنبال پول هستند دوام و قوام خود را مرهون

عواید سرشار ناشی از قاچاق مواد مخدر هستند و با از بین رفتن ممنوعیت خرید و فروش مواد مخدر، تحصیل سودهای کلان نیز منتفی خواهد شد (Block, 1994: 199-215).

۴ـ۱ـ۹) از میان رفتن سود هنگفت ناشی از فروش مواد مخدر غیرقانونی

به‌نظر موافقان، سود سرشار حاصل از قاچاق مواد مخدر ممکن است در اشخاص انگیزهٔ فراهم ساختن زندگی بهتر را ایجاد کند. وقتی که افراد، به غلط یا درست، بر این باورند که قاچاق مواد مخدر فرصت مناسبی را برای پولدار شدن در اختیار آنان قرار می‌دهد، به‌راحتی متقاعد نمی‌شوند که دنبال تحصیل علم یا یادگیری مهارت بروند. از این‌رو، آسیب بازار پرسود مواد مخدر در بازار سیاه به امر تحصیل بسیار بیشتر از ضرر خود مواد مخدر بوده است (Barbour, 2000: 12-13).

۴ـ۱ـ۱۰) تراکم جمعیت کیفری

بنا به استدلال موافقان، بر اثر ممنوعیت مواد مخدر، زندانها نیز به‌دلیل شدت عمل نسبت به قاچاقچیان پر شده‌اند؛ و به‌راحتی و سرعت هم نمی‌توان زندان ساخت. به‌نحوی که تأثیر جرایم مواد مخدر برخی از مفسران را بر آن داشته است که بگویند دوران نظام عدالت کیفری به‌سر آمده است (Husak, 1992: 54-58).

۴ـ۲) دلایل مخالفان جرم‌زدایی و قانونمندسازی

عمدهٔ دلایل مخالفان را می‌توان در افزایش مصرف مواد مخدر به‌علت دسترسی آسان و ارزان‌قیمت به آن، افزایش مشکلات بهداشتی به‌علت سوءمصرف بیشتر مواد مخدر، افزایش هزینه‌های اجتماعی به‌علت بالا بودن هزینهٔ درمان معتادان به مواد مخدر، افزایش جرایم ناشی از مصرف مواد مخدر، و مخالفت مردم با این امر خلاصه کرد (Kondrake, 1989: 209-215). ذکر این نکته نیز در اینجا لازم است که دلایل مخالفان جرم‌زدایی و قانونمندسازی، همان دلایل موافقان جرم‌انگاری است.

همچنین مخالفان می‌گویند در قانونمندسازی ابهاماتی به‌شرح زیر وجود دارد: کدام‌یک از مواد مخدر باید قانونمند شوند؟ این مواد چگونه باید فروخته شوند؟ چه محدودیتهایی

از نظر سنی وجود خواهد داشت؟ آیا از نظر مقدار موادی که هر یک نفر مصرف‌کننده می‌تواند بخرد محدودیتی وجود خواهد داشت؟ (Schilit, 1991: 319).

۴ـ۲ـ۱) اپیدمی سوءمصرف

مخالفان می‌گویند جرم‌زدایی و قانونمندسازی منجر به همه‌گیری سوءمصرف مواد مخدر خواهد شد. چون پایان یافتن ممنوعیت، رواج مواد مخدر ارزان، خالص و قانونی را به‌دنبال خواهد داشت (http://www.usdoj.gov)* و از این‌رو، ممکن است افزایش مصرف مواد مخدر را در پی داشته باشد (Lyman & Potter, 1998: 383-411).**

۴ـ۲ـ۲) عدم کارایی قانونی و لغو آن

به‌نظر مخالفان، جرم‌زدایی و قانونمندسازی مواد مخدر از نظر اخلاقی قبیح است و آزادانه در دسترس قرار دادن موادی که حداقل به برخی از مردم صدمه می‌زند قابل دفاع نیست (Califano, 1997: 46-50).***

---

* برخی از نویسندگان جرم‌زدایی و قانونمندسازی را موجب بروز زلزله‌ای بزرگ می‌دانند.

** همهٔ ملل متمدن اعمال نوعی کنترل بر مواد تغییر دهندهٔ ذهن بشر را مناسب می‌دانند. همین تجربیات اندکی که از قانونمندسازی مواد مخدر به‌دست آمده نشان داده است که در صورتی که مواد مخدر در دسترس باشد، اعتیاد افزایش می‌یابد. برای مثال، ایتالیا در سال ۱۹۷۵ مواد مخدر را آزاد کرد و حالا بالاترین میزان مرگ ناشی از مصرف هروئین را در اروپای غربی داراست. همچنین جرم‌زدایی از مصرف ماری‌جوانان در آلاسکا در سال ۱۹۷۵ منجر به افزایش مصرف آن از جمله در میان کودکان شد. به‌نحوی که ۱۵ سال بعد، آلاسکا مجدداً ماری‌جوانا را جرم‌انگاری کرد، مضاف بر اینکه اقدام ایالت آلاسکا در تعارض با قوانین فدرال بود که مواد مخدر را ممنوع می‌داند. هلند نیز در ۱۹۷۶ مواد مخدر را برای تعدیل مشکلات آن قانونمند کرده است و قانون اجازهٔ خرید، فروش و استفادهٔ آزادانهٔ مواد مخدر را به افراد بالای ۱۸ سال می‌دهد. به مغازه‌ها حق فروش مواد مخدر به افراد بالای ۱۸ سال داده شده است. ولی آنها حق فروش عمدهٔ مواد مخدر را ندارند. این سیاست باز، که هدف آن ایجاد تفکیک بین مواد مخدر سبک همانند ماری‌جوانا و مواد مخدر قوی همانند کوکائین و هرویین است، آمستردام را به مرکز فرهنگ مواد مخدر اروپا تبدیل کرده است، به‌نحوی که امروزه آمستردام مرکز توریسم مواد مخدر لقب یافته است (Lyman & Gary, 1998: 383-411).

*** موافقان قانونمندسازی می‌گویند که فروش مواد مخدر به کودکان ممنوع خواهد بود. ولی

ادامهٔ پاورقی در صفحهٔ بعد ←

۴ـ۲ـ۳) عدم کارایی قانونی و لغو آن

مخالفان، در پاسخ به ایراد موافقان جرم‌زدایی و قانونمندسازی مبنی بر غیرمعقول بودن ممنوعیت مواد مخدر به‌علت ناکارایی آن، می‌گویند که ناکارآمدی قانونی دلیل موجهی برای کنار نهادن آن قانون نیست. برای مثال، با اینکه قوانین مربوط به ممنوعیت ارتکاب قتل‌عمد یا سرقت نتوانسته به چنین اعمال مجرمانه‌ای خاتمه دهد، با این حال قوانین مزبور همچنان به قوت خود باقی هستند. (Califano, 1997:46-50)*

۴ـ۲ـ۴) افزایش فساد

مخالفان قانونمندسازی معتقدند برخلاف ادعای موافقان قانونمندسازی که می‌گویند ممنوعیت از عوامل گسترش فساد مأموران دولتی است، چون قانونمندسازی مستلزم نظم بخشیدن به امور و صدور پروانهٔ فعالیت است، این امور زمینه را برای فساد مأموران فراهم می‌سازد (Powis, 1992: 285).

۵) ارزیابی نظریه‌های جرم‌شناختی

در مورد قانونمندسازی می‌توان گفت که سیاستمداران و مقامات رسمی قانونمندسازی را به‌منزلهٔ تسلیم شدن در مقابل قاچاقچیان مواد مخدر و باج دادن به آنان تلقی می‌کنند و معتقدند که قانونمندسازی مصرف مواد مخدر درواقع مهر تأییدی بر اعمال ضدانسانی قاچاقچیان مواد مخدر است. در مقابل، برخی دیگر این امر را نه‌تنها باج دادن نمی‌دانند

مخالفان این ادعا را افسانه‌ای بیش نمی‌دانند و می‌گویند برای مثال، تجربهٔ امریکا نشان داده است که دور نگه‌داشتن مواد مخدر از دسترس کودکان امکان‌پذیر نیست.

* مخالفان می‌گویند که ادعای شکست سیاست فعلی ممنوعیت، افسانه‌ای بیش نیست. برای مثال، طبق گزارش مرکز بهداشت و خدمات انسانی امریکا، مصرف‌کنندگان ماری‌جوانا از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۴ از ۲۳ میلیون نفر به ۱۰ میلیون نفر کاهش یافته است، و تعداد مصرف‌کنندگان هروئین از ۴۴ میلیون نفر به ۱۴ میلیون نفر.

بلکه آن را وسیله‌ای برای کنار نهادن قاچاقچیان از جرگهٔ تجارت مواد مخدر می‌دانند (Nadelman: 43).

به‌نظر برخی، توسل به قانونمندکردن مصرف و قرار دادن آن در انحصار دولت، شاید به‌سادگی قرین موفقیت نباشد. زیرا ممکن است در این صورت، قاچاقچیان مواد مخدر، با توجه به امکانات مالی فراوانی که در اختیار دارند و با هدف مقابله با دولت، مواد را به قیمتهای بسیار نازلتری در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند. آن‌گاه دولت نیز ناگزیر خواهد شد، برای مقابله با سوداگران مرگ، مواد مخدر را به قیمتی بسیار پایینتر از آنچه برای تهیهٔ آن پرداخته است به‌فروش برساند و این مابه‌التفاوت باید از بودجهٔ عمومی پرداخت و تأمین شود. به‌عبارت دیگر، در صورت اتخاذ چنین رویه‌ای، هزینهٔ اعتیاد باید بر دوش مالیات‌دهندگان گذاشته شود و به‌طور مستقیم مورد تأیید جامعهٔ مدنی قرار گیرد.

به‌نظر نمی‌رسد که فرهنگ عمومی مردم ایران موافق قانونمندسازی (حداقل در مورد همهٔ مواد مخدر، مخصوصاً مواد مخدر خطرناکی همچون هروئین و مرفین و سایر مواد مخدر در ردیف مواد مخدر مزبور) باشد. هرچند در ایران در این مورد تحقیق میدانی گسترده‌ای صورت نگرفته است، ولی طبق نتایج حاصل از نظرسنجی صورت‌گرفته در سال ۱۳۷۶ در تهران از ۱۳۴۷ نفر در مقطع سنی ۱۶ سال به بالا، ۷۲٪ آنان هروئین را خطرناکترین مادهٔ مخدر دانسته‌اند و ۶۳/۵٪ آنان کاملاً مخالف توزیع کوپنی مواد مخدر در میان معتادان، ۱۵٪ آنان تا حدی مخالف این کار، ۹٪ آنان تا حدی موافق این کار و فقط ۴٪ آنان کاملاً موافق این کار بوده‌اند (طرح نظرسنجی از شهروندان تهران دربارهٔ تشدید مجازات معتادان و سوداگران مواد مخدر، ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۶).*

---

* گفتنی است که توزیع گروه سنی پاسخ‌دهندگان به شرح زیر بوده است: ۱۵٪ آنان نوجوانان ۱۶ تا ۱۸ ساله، ۳۱٪ آنان جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله، ۳۷٪ آنان افراد ۳۰ تا ۵۹ ساله و ۱۷٪ آنان ۶۰ سال و بالاتر بودند. توزیع وضعیت تحصیلی پاسخگویان نیز به این صورت بوده است: ۱۰٪ آنان بی‌سواد، ۳۰/۵٪ آنان دارای سواد دورهٔ ابتدایی و راهنمایی، ۴۲٪ آنان دارای سواد دورهٔ دبیرستان، ۱۵٪ آنان دارای مدرک کارشناسی، ۱٪ آنان دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱/۵٪ آنان دارای مدرک دکتری

ادامهٔ پاورقی در صفحهٔ بعد ←

به‌نظر برخی دیگر، در مقام مقایسهٔ منافع و مضار قانونمندسازی مطابق سیاستها و برنامه‌ریزیهای جاری، دلایل فراوانی (که قبلاً آورده شد) نشان می‌دهند که قانونمندسازی راهبرد مؤثرتری برای از میان برداشتن مشکل مواد مخدر است (Nadelman: 18).

۶) موضع حقوق ایران

به‌نظر می‌رسد نظریهٔ قانونمندسازی در حقوق مواد مخدر ایران مسبوق به سابقه است. هرچند قانونگذار در قوانین مصوب به‌صراحت به این مطلب اشاره‌ای نکرده است، ولی مفاد برخی از مواد و برخی از قوانین دلالت قطعی بر قانونمندسازی در حقوق ایران دارد.

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، تا تاریخ تصویب «قانون تحدید تریاک» در ۱۲ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۹ قمری، در ایران هیچ‌گونه نظارت دولتی بر تریاک و سایر مواد مخدر وجود نداشت و دولت خواست که با تصویب این قانون و وضع مالیات بر مصرف داخلی، استعمال تریاک و تجارت آن را تحت نظارت خود درآورد.

به تاریخ ۲۶ تیر ماه ۱۳۰۷ نیز «قانون انحصار دولتی تریاک» تصویب شد و در مادهٔ ۱ آن در جهت قانونمندسازی مقرر شد: «از تاریخ تصویب این قانون کلیهٔ معاملات و نگهداری و تیاری* و حمل و نقل و صدور تریاک، شیره و چونه** اعم از مصرف داخلی و خارجی منحصر به دولت است.» این انحصار به انحصار دولتی تریاک موسوم گردید.

درواقع، تا تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۰۷ که «قانون مجازات مرتکبین قاچاق تریاک» تصویب شد و برای قاچاق تریاک جزای نقدی خیلی سبکی در نظر گرفته شد، فعالیت در زمینهٔ

بوده‌اند. (ر.ک. طرح نظر سنجی از شهروندان تهران دربارهٔ تشدید مجازات معتادان و سوداگران مواد مخدر، ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۶.)

* «تدارک و آماده کردن تریاک» (manipulation of opium) (حسین نیر، *فرهنگ عمومی مواد مخدر*، ۱۳۷۲، ص. ۷۸).

** «واحدی برای خمیر آرد گندم و ...، گلوله‌ای از هر نوع خمیر تریاک» (محمد معین، *فرهنگ فارسی*).

مواد مخدر در ایران منع قانونی نداشت و جرم تلقی نمی‌شد و درواقع دولت بر این کار نظارت داشت و آن را کنترل می‌کرد و برای کسانی که قصد فعالیت در این زمینه را داشتند پروانهٔ فعالیت صادر می‌کرد.

ممنوعیت فعالیت در زمینهٔ مواد مخدر تا تاریخ تصویب نظامنامهٔ مورخ ۲۵ تیر ۱۳۱۳ ادامه داشت. در مادهٔ ۳ نظامنامهٔ مزبور، فعالیت در زمینهٔ مواد مخدر منوط به داشتن اجازه‌نامهٔ رسمی از مقامات صالحهٔ دولتی شد. در ۷ آبان ۱۳۳۴، با تصویب «قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک» و طبق مادهٔ ۱ آن، کشت خشخاش و تهیه و ورود مواد افیونی (تریاک و شیره و سایر مشتقات آن) در سراسر کشور از تاریخ تصویب قانون مزبور ممنوع شد.

طبق ماده ۴ آیین‌نامهٔ اجرایی قانون مزبور نیز در مورد معتادان به تریاک و مشتقات آن که سن آنان از ۶۰ سال تجاوز کند یا به‌علت کهولت و بیماری، ترک اعتیاد آنان تا مدتی مقدور شناخته نشود، به‌ترتیب زیر عمل می‌شود:

«الف) پزشک معالج به خطر و امضای خود گواهی مخصوصی طبق نمونه‌ای که وزارت بهداری تهیه و اعلام می‌نماید صادر خواهد کرد.

ب) پس از تأیید گواهی مزبور به‌وسیلهٔ یکی از مراکزی که وزارت بهداری اعلام خواهد نمود، از طرف مراکز مذکور کارتی که دارای عکس شخص معتاد باشد برای خرید سهمیه صادر خواهد شد که در آن مشخصات کامل معتاد، مقدار مصرف روزانه، نشانی مرکز فروش و مدت اعتبار کارت که در هر حال از شش ماه تجاوز نخواهد کرد باید ذکر شود.»

مادهٔ ۴۱ اصلاحیهٔ مبارزه با مواد مخدر نیز مقرر داشته است: «ساخت، تولید، خرید، فروش، ارسال، نگهداری، ورود، صدور، مصرف و حمل مواد ممنوع حسب مورد برای مصارف پزشکی، تحقیقاتی و صنعتی با مجوز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از شمول این قانون مستثنی است.» این ماده دلالت بر قانونمندسازی مصرف پزشکی و سایر اعمال مربوط به تجارت مواد مخدر دارد؛ و مخصوصاً با توجه به اینکه شرایط و

محدودیتهای تجویز و مواد مخدر قابل تجویز مشخص نشده است و تشخیص همهٔ موارد مزبور به‌عهدهٔ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نهاده شده است که تجویز موارد مصرف قاعدتا باید به‌عهدهٔ پزشکان مربوط گذاشته شود، برنامه‌ریزی در این مورد می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات ناشی از مصرف مواد مخدر خطرناک و بدون نظارت پزشکی جلوگیری کند.

۷) نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد، می‌توان در پاسخ به این سؤال که آیا در ایران باید از اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر جرم‌زدایی شود یا باید اعمال مزبور همچنان جرم انگاشته شوند، گفت که با توجه به جو حاکم بر جامعهٔ ایران که وضعیت فعلی گسترش موارد مصرف یا سوءمصرف را (با توجه به جمعیت عظیم مصرف‌کنندگان) برنمی‌تابد و سهولت دسترسی به مواد مخدر را، به غلط یا درست، ناشی از یک توطئه می‌داند، نمی‌توان از جرم‌زدایی از سوءمصرف مواد مخدر سخن گفت. لذا به دلایل زیر به‌نظر می‌رسد که همچنان باید سوءمصرف مواد مخدر به حالت مجرمانهٔ خود باقی بماند.

اول آنکه هرچند نمی‌توان در مورد نوع سیاست جنایی قابل اتخاذ به‌طور کامل به‌نظر تودهٔ مردم توجه کرد، چون آنان معمولاً به مسائل از بعد تخصصی نگاه نمی‌کنند، ولی به‌طور کامل نیز نمی‌توان از نظر آنان غافل ماند. بخصوص با توجه به اینکه اگر تودهٔ مردم با سیاست جنایی اتخاذ شده همگام و هم‌رأی نباشند، عملی ساختن و پیشبرد سیاست جنایی مزبور با مشکلات اساسی مواجه می‌شود.

دوم آنکه جرم‌زدایی از مصرف یا سوءمصرف مواد مخدر ممکن است زمینهٔ افزایش تعداد مصرف‌کنندگان و سوءمصرف‌کنندگان و در نهایت افزایش تعداد معتادان را به‌دنبال داشته باشد. لذا، به‌منظور مقابله با افزایش تعداد معتادان، حفظ وضع فعلی قانون در مورد جرم‌انگاری مصرف و سوءمصرف مواد مخدر موجه به‌نظر می‌رسد.

ولی در مورد اعتیاد، با توجه به اینکه معتاد یک بیمار تلقی می‌شود و مجرم

قلمدادکردن بیمار امری غیرمنطقی و غیرمعقول و خلاف اصول حقوق کیفری است، به‌نظر می‌رسد می‌توان از جرم‌زدایی از اعتیاد دفاع کرد. روح حاکم بر مادهٔ ۱۵ مصوبهٔ مبارزه با مواد مخدر نیز که معتادی را که حاضر به درمان اعتیاد خود باشد از تعقیب کیفری معاف شناخته است دلالت بر آن دارد که قانونگذار رفته‌رفته تحت تأثیر افکار علمی موجود در جامعه که معتاد را بیمار می‌داند، به طرف جرم‌زدایی از اعتیاد گام برمی‌دارد.

با این حال، با توجه به وضعیت فعلی جامعهٔ ایران که هنوز پی به اهمیت درمان اعتیاد نبرده است و ممکن است معتادان، در صورت جرم‌زدایی از اعتیاد، تمایل لازم را نسبت به درمان از خود نشان ندهند و با توجه به اینکه خدمات مربوط به درمان اعتیاد محدود است و در همهٔ شهرها گسترش نیافته است یا معتادان تمایل لازم را برای ترک اعتیاد از خود نشان نمی‌دهند و در نتیجه باید آنان را به درمان خود ملزم ساخت و در صورت جرم‌زدایی، اعمال چنین الزامی در عمل غیرممکن خواهد شد، به‌نظر می‌رسد تا زمان افزایش آگاهیهای جامعه در حد معقول و مقبول همچنان باید اعتیاد جرم انگاشت تا پلیس بتواند معتادان را به درمان خود ملزم سازد. ولی جرم‌انگاری الزاماً به‌معنی اعمال ضمانت اجراهای کیفری شدید و غلیظ نیست. بلکه با توجه به تعریف جرم که عبارت است از هر فعل و یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی ـ تربیتی پیش‌بینی شده باشد، می‌توان به‌طور موقتی و با حذف مجازات به شکل فعلی، فقط اقدامات تأمینی و تربیتی به‌شرح مندرج در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ را اعمال کرد.

همچنین در کنار پاسخ کیفری از نوع اقدامات تأمینی می‌توان از پاسخهای دیگری نیز که سیاست جنایی پیشنهاد می‌کند استفاده کرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۳۴ـ۱۱).

ولی، همچنان‌که گفته شد، جرم‌انگاری اعتیاد به شکل اعمال اقدامات تأمینی ـ تربیتی در مقابل آن یک راه‌حل موقتی است و به‌محض مهیا شدن شرایط فرهنگی (از جهت تحمل جرم‌زدایی از اعتیاد) و علمی جامعه (از جهت فراهم کردن امکانات درمان) باید از اعتیاد جرم‌زدایی شود.

البته باید توجه داشت که جرم‌زدایی از اعتیاد به‌معنی جرم‌زدایی از جرایم مربوط به

مواد مخدر (خرید، فروش، وارد کردن، صادر کردن و ...) نخواهد بود و اعمال مزبور باید همچنان حالت مجرمانهٔ خود را حفظ کنند.

جرم‌زدایی از اعتیاد مزایای زیادی در مقابل جرم‌انگاری دارد. برای مثال، در وضعیت فعلی که مواد مخدر با قیمت گرانتر و ناخالصی بیشتر در بازار سیاه عرضه می‌شود و مشکلات بهداشتی عمده‌ای ایجاد کرده است، در صورت جرم‌زدایی، دولت می‌تواند با برنامه‌ریزیهای لازم و به‌نحو مقتضی مواد مخدر مورد نیاز را در اختیار معتادان شناسنامه‌دار قرار دهد.

نظریهٔ جرم‌زدایی از اعتیاد ممکن است از طرف تودهٔ مردم عجیب و غیرقابل پذیرش تلقی شود. ولی با توجه به اینکه در این مورد نمی‌توان به‌طور کامل از نظریهٔ تودهٔ مردم تبعیت کرد، چون از امور کارشناسی است و کارشناسان معتاد را بیمار تلقی می‌کنند، و با توجه به اینکه باید اعتیاد را به‌عنوان یک واقعیت، هرچند تلخ، پذیرفت و نمی‌توان چشم خود را بر روی حقایق بست، جرم‌زدایی از آن لازم به‌نظر می‌رسد. تنها باید برای همراهی کردن مردم و متقاعد کردن آنان به انتخاب جرم‌زدایی از اعتیاد، به‌عنوان گزینهٔ علمی در مقابله با اعتیاد به‌جای برخوردهای سرکوبگرانه و تحقیرآمیز، سطح آگاهی عمومی را افزایش داد.

References

منابع

۱ـ آشوری، محمد. (۱۳۷۹). «**نتیجه‌گیری کلی همایش بین‌المللی علمی ـ کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر**». مجموعه مقالات. جلد اول. تهران: نشر روزنامهٔ رسمی کشور.

۲ـ آقایی، حسین. (۱۳۸۱). «**پیشگیری عمومی از بزهکاری: مانعی برای جرم‌زدایی؟**». مجلهٔ حقوقی و قضایی دادگستری. ش ۴۱. ص ۱۸۲ـ۱۶۱.

۳ـ اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۷۹). «**پیشگیری از اعتیاد**». مجموعهٔ مقالات همایش بین‌المللی علمی ـ کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. جلد اول. تهران: نشر روزنامهٔ رسمی. ص ۱۷۱ـ۱۵۶.

٤ـ قنبری، محمدرضا. (۱۳۷۹). «**مطالعات مردم‌شناسانه در گرایش به مصرف مواد مخدر**». مجموعهٔ مقالات همایش بین‌المللی علمی ـ کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. جلد اول. تهران: نشر روزنامهٔ رسمی. ص ۱۹۵ـ ۱۸۳.

۵ـ گسن، ریموند. (۱۳۷۰). **جرم‌شناسی کاربردی**. ترجمهٔ مهدی کی‌نیا. تهران.

٦ـ محمدزاده فراهانی، اکرم و رضوان نقی‌زاده. **ژرفای تربیت**. ش ۲۳. ص ۱۱ـ۵.

۷ـ نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین. (۱۳۷۹). «**درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر**». مجموعهٔ مقالات همایش بین‌المللی علمی ـ کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. جلد اول. تهران: نشر روزنامهٔ رسمی کشور. ص ۳۴ـ۱۱.

8- Alexander, Bruce K. (1990). **Peacefull measures. Canada's Way out of the "War on Drugs"**. Toronto: University of Toronto Press.

9- Ashley, R. (1975). **Concaine: It's History, Uses and Effects**. New York.

10- Barbour, S. (2000). **Drug Legalization**. Greenhaven Press.

11- Belenko' S. R. (2000). **Drugs and Drug policy in America. A Documentary History**. Westport, Connecticut, London.

12- Bennet, William. (1989b). **"Restoring Authority"**: New Perspectives Quarterly 2-7. Meier Robert F. & Gilbert Geis. (1997). Victimless Crime? Prostitution, Drugs, Homosexuality. Los Angeles, California: Abortion. Roxbury Publishing Company.

13- Bennet' William. (1989a). **National Drug Control** Strategy. Washington: Office of the National Drug Control Policy.

14_ Block, Walter. (1994). **"Drug Prohibition: A Legal and Economic Analysis."** in: Drugs Morality and the Law. Steven Luper-foy (ed.) New York & London: Gurland Publishing Inc. pp. 199-215.

15_ Bonnie, Richard J. (1981). **The Meaning of Decriminalization: A Review of the Law.** Contemporary Drug Problems. Connecticut.

16_ Brown, C. (1994). **"Failure of War on Drugs."** in: Drugs, Morality and the law. Steven Luper-foy (ed.). New York & London: Garland Publishing Inc.

17_ Califano, J. A. (1997). **"Legalization of Narcotics: Myths and Reality"**. USA Today Magazine: 46-50.

18_ Carter, David. **"An Overview of Drug-Related Misconduct of Police Officers:** Drug Abuse and Narcotic Corruption". Drugs, Crime, and the Criminal Justice System. pp. 79-105.

19_ Cukwurah, A. O. (1990). **"Bilateral and Multilateral Co-operation in the Control of Drug-Trafficking."** in: Narcotics: Law and Policy in Nigeria. Awa U. Kalu & Yemi Osinbajo (eds.). Lagos: Bencod Press Limited. pp. 86-109. The United Nations and the Fight against Drug Abuse. (1972). New York.

20_ Deninger, M. (1976). **"The Economics of Herion: Key to Optimizing the Legal Response"**. Georgina Law Review 10: 565-583.

21_ Evans, David. (1990) **"How Many Liberties Are We Losing?"**. Human Rights 17: 8-15.

22_ Evans. Richard M. (1990). **"The many Forms of Legalization-Beyond (Whether) to (How)."** in: The Great issues of Drug Policy. Arnold Trebach and Kevin Zeese (eds.). Washington, D. C.: The Drug Policy Foundation.

23_ Fox' Russell. & Ian Mathews. (1992). **Drug Policy: Fact, Fiction and the Future**. Sydney: The Federation Press.

24_ Gossop, Micheal. (2000). **Living with Drugs**. Ashgate Publication LTD.

25_ Gray, James P. (2001). **Why Our Drug laws have Failed and What We Can Do About it? A Judicial Indictment of the War on Drugs**. Philadelphia: Temole University Press.

26_ Green, Penny. (1998). **Drugs, Trafficking and Criminal Policy**. Winchester: Waterside Press.

27- http://nycitizens.org/2002/news/092702.27.Sep. 2002. NYstate News.By Karen DeWitt. New York State Public Radio.

28- http://www. college. ibrary. wisc. edu/ resources/ subject_ guides/ druglegaliz. 22.Dec.2002. **Why Drugs Should Be Legalized**. Mike Benham. Pp. 1-4.

29- http://www.druglibrary.org/schaffer/library/savings.01/01/2003. **Review of Drug Legalization, For and Against**. pp. 1-5.

30- http://www.drugwatch.org/Against%20Legalization%20of%Drugs. 01/01/2003. **Against Legalization of Drugs: Drug Watch International Position Statement**.

31- http://www.dscc.org/cwa/rerport. 01/01/2003. **Decriminalization**.

32- http://www.ezboard.com.2.06.2002.**Legalization of Drugs**. pp. 1-17.

33- http://www.inthesetimes.com. 01/01/2003. **Drug War Retreat: England Moves to Decriminalize Narcotics**.

34- http://www.ithaca.edu/faculty/cduncan/220/d2-Jake.d.22.Dec. 2002. **Philosophy Forums – Philosophy of Politics and Law Legalization of Marijuana?**

35- http://www.parl.gc.ca/36/2/parlbus/combus/senate/com-e/ille-e/pr.29.05.2002. Oscapella, E. Witch Hunts and Chemical McCarthyism: **The Criminal Law and Twentieth Century Canadian Drug Policy**.

36- http://www.parl.gc.ca/ 36/ 2/ parlbus/ commbus senate/com-e/ ille-e/ pr. 29.05.2002.

37- http://www.poloce-foundation.org.uk/drugs.asp? Selection. 01/ 01/2003. **Police Foundation Inquiry into the Misuse of Drugs Act 1971**.

38- http:// www. Uky. Edu/ ~Cperring/ PHILAW. HTM. 23. Dec. 2002. **Philosophy of Law Syllabus: Crime Punishment, and Paternalism**.

39- Husake, Douglas N. (1992). **Drugs and Rights**. Rutgers University, Cambridge University.

40- Inciardi, James A. & Arnold S. Trebach. (1993). **Legalize it? Debating American Drug Policy**. New Haven: The American University Press.

41- Inciardi, James A. & D. C. McBridge. (1991). **"The Case against Legalization."** The Drug Legalization Debate. James A. Inciardi. (ed.). London, New Delhi: Sage Publications.

42- Inciardi, James A. (1987). **Criminal Justice**. San Diego: Harcourt Brace Jovanovich.

43- Kaplan, John (1989). **"Taking Drugs Seriously"**. Drugs and Society 3: 187-208.

44- Kaplan' John (1970). **Marijuana:The New Prohibition**. New York: World Publishing Co.

45- Kleiman, Mark and Aaron Saiger. (1990). **"Drug Legalization: The Importance of Asking the Right Question"**. Hofstra Law Review 18: 527-542.

46- Kondarke, M. M. (1989). **"Don't Legalize Drugs"**. Drugs and Society 3: 209-215.

47- Kyvig, David. (1979). **Repealing National Prohibition**. Chicago: University of Chicago Press.

48- Luper-foy, Steven (1994). **Drugs, Morality and the Law**. New York & London: Gurland Publishing INC.

49- Lyman, Michael D. & Gary W. Potter. (1998). **Drugs in Society**. Cincinnati: Anderson Publishing Co.

50- Lyman, Michael D. & Gary W. Potter. (1998). **Drugs in Society**. Cincinnati: Anderson Publishing Co.

51- Marshal, Eliot. (1988). **Legalization: A Debate**. New York: Chelsea House. http://www.dscc.org/cwa/report.01/01/2003. Legalization.

52- Mill, John S. (1983). **On Liberty**. London: Richard Clay Ltd.

53- Nadelman, Ethan, **"Drug Prohibition in the United States: Costs, Consequences, and Alternatives"**. Science 245: 939-946.

54- Nadelman, Ethan. (1989). **"Drug prohibition in the United States: Costs Consequences, and Alternative."** Sciences 245: 940.

55- Nadelman, Ethan. (1991). **"The Case for Legalization."** in: The Drug Legalization Debate. James A. Inciardi (ed.). London, New Delhi: Sage Publications.

56- Nadelman, Ethan. (1991). **"The Case for Legalization."** in: The Drug Legalization Debate. James A. Inciardi (ed.). London, New Delhi: Sage Publications. pp. 18-24.

57- Ostrowski, James. (1990). **"The Moral and Practical Case for Drug Legalization"**. Hofstra Law Review, 18: 607-685.

58- P. Gray, James. (2001). **Why Our Drug laws have Failed and What We Can Do about it**? Philadelphia: Temple University Press.

59- Peele, Stantan. (1989). **The Diseasing of American: Addiction Treatment out of Control**. Lexington: D. C. Health.

60- Powis, Robert E. (1992). **The Money Launderers**. Chicago, Illinois, Cambridge, England: Probus Publishing Company.

61- Reuter, Peter. (1995). **"Assesing the Legalization Debate."** in: Policies and Strategies to Combat Drugs in Europe. G. Estievenart (ed.). Netherlands: Kluver Academic Publishers.

62- Schilit, Rebeca. (1991). **Drugs and Behavior**. London, New York: Sage Publications.

63- Stevenson, Richard. (1994). **Winning the War on Drugs: To Legalize or Not**? Bournemouth, Dorset. Britain: Bourne Press.

64- Szasz, Thomas, (1992). **The Case for a free Market**. New York, Westport, Connecticut, London: Paeger. http:// www. druglibrary. org/ schaffer/ Misc/ Ip/ rld: 01/01/2003: Should we Re-Legalize Drugs?

65- Teff, Harvey. (1975). **Drugs, Society and the Law**. Westmead, Franborough, Hants, England: Saxon House, D. C. Health Ltd.

66- Tullis, Lamond. (1991). **Handbook of Research on the Illicit Drug Traffic**. New York, Westport, Connecticut, London: Greenwood Press.

67- Vallance, Theodore R. (1993). **Prohibition's Second Failure**. Westport, Connecticut, London: Praeger.

68- Wiarda' J. (1989). **"Drug Policies in Western Europe."** in: Drug Policy in Western Europe. Hans-Jorg Albrecht & Anton Van Kalmthout (eds.) Freiburg: Eigenverlag Max-Planck-Institute. pp. 29-40.